

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و ستایش مخصوص خداوند متعال مالک آسمان و زمین است و بس، و رحمت خداوند بر پیامبر اکرم محمد مصطفی (ص) و بر آل او باد.

خداوند بزرگ در قرآن مجید می فرماید:

«أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما روزه واجب شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند واجب بوده است، باشد که پرهیزگار شوید.

ارزش روزه و حکمت‌های نهفته آن به حدی است که نهایی برای پاداش آن در نظر گرفته نشده است. همانطور که خداوند متعال در حدیث قدسی می فرماید: «الصوم لی و أنا أجزی به»

«روزه برای من است و من خود بدان پاداش می دهم.»

در واقع تمام عبادت‌ها برای خداوند است اما روزه عبادتی جداگانه است. عبادتی که از ریا و فریب دور است. عبادتی که باعث زنده نگه داشتن شعائر اسلامی است، عبادتی که غلبه بر آرزوهای نفسانی را به حد اعلا می رساند، عبادتی که شفیع ما در روز قیامت خواهد شد.

(الصيام و القرآن يشفعان للعبد يوم القيامة، يقول الصوم: أی رب منعته و الطعام و الشهوات بالنهار فشفعنی فیه أی رب منعته و النوم باللیل فسفخین فیه فیشفعان)

«روزه و قرآن در روز آخرت برای انسان شفاعت خواهند کرد، روزه می گوید: پروردگارا! من او را تمام مدت روز از غذا و شهوات و آرزوهای نفسانیش بازداشتم، پس درخواست مرا در مورد او بپذیر، و قرآن نیز می گوید: پروردگار من! من او را از خوابیدن شب منع نمودم پس شفاعت مرا درباره ایشان قبول بفرما، که در نهایت خداوند شفاعت هر دوی آنها را می پذیرد.» (رواه احمد بسند صحیح)

در این نوشتار برآنیم تا آنچه را در مورد روزه باید بدانیم یادآور شویم و دستورات و احکام آن را به صورت مختصر و گویا بیان کنیم.

امیدواریم توفیق خداوند در راه رسیدن به کمال نصیب مان گردد.

## حکمت های روزه

روزه از حکمت‌های بی شماری برخوردار است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱ - یکی از حکمت‌های آن صعود از پله‌های تقوا است که اگر انسان به این پله‌ها صعود کند برای انجام تمام امور از جمله عبادت‌های دیگر توانایی پیدا خواهد کرد.

۲ - برای سپاس‌گزاری از تمام نعمت‌های خداوند متعال، زیرا هر نعمتی اگر برای مدتی دور از دسترس قرار گیرد، ارزش آن را بیشتر دانسته و برای همین روزه باعث می‌شود تا قدر نعمتهایی که خداوند به ما ارزانی بخشیده بیشتر بدانیم. «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (بقره/۱۸۶)

۳ - یکی دیگر از حکمت‌های روزه بالا رفتن توانایی و اراده‌ی انسان در خودداری کردن از بدهیا است، زیرا روزه دار بخاطر رضای خداوند بر تمام آرزوهایی که مایه‌ی بدبختی هستند غالب می‌شود.

۴ - بنا کردن امری مهم برای رسیدن به چندین پاداش الهی که تنها او می‌تواند از آن تقدیر نماید (الصوم لی و أنا أجزی به)

۵ - نمودار شدن پدیده‌ی مساوات و همسانی در میان طبقات مختلف جامعه، تقویت حس برادری و بخشش و باز کردن درهای مهر و محبت خداوند، چون اگر ثروتمندی تمام دارایی خود را بدهد تا از گرفتن روزه‌ی واجب‌ی‌اش شانه خالی کند نمی‌تواند و خداوند قبول نمی‌کند، همانطور که به مستمندی این اجازه داده نشده است، در واقع ثروتمند و فقیر در گرفتن روزه هر دو یکسانند.

۶ - باعث می‌شود ثروتمندان به بخشیدن بعضی از دارایی خود عادت کنند و مستمندان را یاد نمایند.

۷ - برای استراحت دادن به اندامهای انسان و دور کردن چندین بیماری ترسناک.

از تمام اینها گذشته؛ روزه باعث ثابت شدن اخلاص و ایمان قلبی انسان به خداوند و دستورات او می‌باشد. زیرا در روزه هیچگونه ریا و تسمعی وجود ندارد. چون روزه یک عبادت اختصاصی و مخفیانه است و محضاً برای خدا می‌تواند باشد. به همین خاطر خداوند بزرگ در حدیث قدسی می‌فرماید: روزه تنها برای من است و من بدان پاداش می‌دهم.

## شرایط صحت روزه

- ۱ - مسافر نماز قصر نباشد یعنی بر مسافری که بتواند نماز قصر بخواند روزه واجب نیست اما باید بعد از رمضان روزه هایی را که در مسافرت خورده است قضا نماید. اما اگر کسی بخواهد در مسافرت روزه بگیرد روزه اش صحیح است.
- ۲ - قدرت و توانایی گرفتن روزه را داشته باشد.
- ۳ - باید از حیض و نفاس پاک باشد. حیض (خون قاعدگی عادت ماهانه زنان) و نفاس (خون زایمان).

## روزه های حرام

- ۱ - روز عید فطر
- ۲ - روز عید قربان و سه روز بعد از عید قربان «ایام التشریق»
- ۳ - یوم الشک - روزی که رؤیت هلال رمضان ثابت نشده باشد.
- ۴ - روزه ۱۲ ماه پشت سرهم یعنی یکسال متوالی را روزه بودن حرام است. (لا صام من صام المابد، مرتین) (رواه شیخان)

## روزه مکروه

اگر کسی بخواهد در سال فقط روزهای جمعه را روزه بگیرد مکروه است، بدلیل اینکه جمعه عید پرهیزگاران و روز برگشتن بسوی خیر و نیکی است پس برای اینکه مسلمانان دچار ضعف نشوند و بهتر بتوانند به درگاه خداوند استغفار و دعا کنند، نباید این روز را روزه بگیرند.

ابوهریره (رضی الله عنه) از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که فرمود: (لا تصوموا الجمعة إلا و قبله یوم إو بعده یوم)

«روزهای جمعه روزه نگیرید مگر اینکه روز پیش از آن (روز پنجشنبه) و یا روز پس از آن (روز شنبه) روزه باشید.»

البته این در مورد روزه های مستحب است و گرفتن روزه ی واجب در روز جمعه اشکالی ندارد.

## آداب و ستهای روزه

یکی از آداب روزه، دور گرفتن اعضای بدن از جمله چشم، گوش و زبان و دست و پا از چیزهایی است که خداوند از آنها نهی فرموده است.

یکی دیگر از آداب های روزه این است که هرگاه شخصی بخاطر بیماری و یا مسافرت و ... روزه نباشد، سنت است که او را به غذا خوردن دعوت نماید و از چنین مهمانهایی پذیرایی شود. جایز نیست شخص خودش روزه باشد اما شخص روزه دار دیگری را به خوردن دعوت کند، مگر به کسی که اجازه شکستن روزه را داشته باشد که البته نباید جلوی چشم بچه ها خوردن و آشامیدن صورت گیرد، زیرا برای آنها سؤال ایجاد می شود؛ در ثانی باید رعایت احترام ماه رمضان را داشته باشیم و اگر عذری داریم مخفیانه به خوردن و آشامیدن بپردازیم.

## ستهای روزه

- ۱ - بر زبان آوردن نیت برای روزه فردا.  
(بصوم غداً نَوَيْتُ مِنَ الشَّهْرِ الرَّمَضَانَ ، برای روزه فردا از ماه رمضان نیت آوردم.)
- ۲ - بلند شدن برای سحری حتی اگر با خوردن یک دانه خرما باشد. باید سحری را به تأخیر انداخت البته نباید سحری را همراه با اذان صبح تمام کرد.
- ۳ - احسان کردن به نزدیکان در ماه مبارک رمضان.
- ۴ - قرائت قرآن مجید و ذکرها در طول روز.
- ۵ - دعوت کردن روزه دار به افطار.
- ۶ - حفظ اندامهای خود از کارهای حرام.
- ۷ - دوری جستن از کارهای شهوانی مانند: گوش دادن به صداها و یا آهنگها و بوهای خوش و تند.
- ۸ - بلافاصله بعد از اذان مغرب افطار کردن، خداوند متعال در حدیث قدسی می فرماید:  
(أَحَبُّ عِبَادِي إِلَيَّ أَعْجَلُهُمْ فِطْرًا ، محبوبترین بندگانم نزد من، کسانی که در افطار تعجیل می کنند.)
- ۹ - صدقه دادن به فقرا.
- ۱۰ - افطار به وسیله آب یا خرما.

## ۱۱ خواندن دعای بعد از افطار

(اللَّهُمَّ لَكَ صُمتٌ وَبِكَ اَمْنٌ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَعَلَى رُزُقِكَ أَفْطَرْتُ وَ لِصَوْمِ عَدَا نَوَيْتُ ذَهَبًا  
صَمًّا وَبَتَلْتِ العُرُوقَ وَتَبَّتِ الأَجْرُ اِنْشَاءً لِلَّهِ)

«خدایا بخاطر تو روزه گرفتم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و بر رزق تو افطار نمودم  
و برای روزه فردا نیت آوردم تشنگی برطرف شد، رگها سیراب شدند و پاداش ثابت گشت اگر  
خدا بخواهد.»

(اللَّهُمَّ لَكَ صُمتٌ وَبِكَ اَمْنٌ وَعَلَى رُزُقِكَ أَفْطَرْتُ) «خدایا برای تو روزه گرفتم و به تو  
ایمان آوردم و بر رزق تو افطار نمودم.»

## آنچه روزه را باطل می کند:

- ۱ - خوردن و آشامیدن به طور عمد
- ۲ - جماع (همبستر شدن با همسر)
- ۳ - استمناء (منی خود را با غیر جماع خارج کردن)
- ۴ - حیض (قاعدگی و خون عادت ماهانه زنان)
- ۵ - نفاس (خون زایمان)
- ۶ - مرتد شدن (برگشتن از دین اسلام)
- ۷ - وارد کردن چیزهایی به داخل بدن مانند: شیاف و زدن آمپول در صورتی که زدن آن را می توان  
به موقع دیگری موکول کرد، البته رأی قوی آن است که روزه را باطل نمی کند.
- ۸ - استفرغ بطور عمد، اگر استفرغ عمدی نباشد روزه صحیح است.
- ۹ - کشیدن سیگار، اما اگر شخصی بطور غیر عمدی دود چیزی را بچشد روزه اش باطل نمی شود.

## مواردی که روزه را باطل نمی کنند :

- ۱ - استفاده از مسواک (یا سواک) تا قبل از اذان ظهر
- ۲ - خوردن و آشامیدن از روی فراموشی
- ۳ - آزمایش خون

- ۴ - معاینه داخلی زنان
- ۵ - استفراغ به شرطی که عمدی نباشد
- ۶ - شوخی کردن با همسر به شرطی که به قصد لذت جنسی نباشد
- ۷ - آمپول زدن اگر ضروری باشد
- ۸ - قطره چشم و گوش و بینی بطوریکه وارد حلق نشود.
- ۹ - کد بانویی که می خواهد اندازه نمک غذا را بداند اما بعد از چشیدن باید تف کند و یا کسی که می خواهد خرید کند و مزه چیزی را که می خواهد بخرد بداند.

### شکستن روزه در چه حالی صحیح است؟

- ۱ - بیماری، کسی که دچار بیماری شود اجازه دارد روزه اش را بشکند و به بیماریش رسیدگی کند تا خوب شود آنگاه بعد از رمضان روزه اش را قضا نماید.
- ۲ - سفر مباح، که کمتر از مسافت قصر نماز نباشد.
- ۳ - اگر روزه دار در اثر روزه دچار گرسنگی و یا تشنگی طاقت فرسا شود به حدی که اگر روزه را ادامه دهد دچار بیماری یا هلاکت شود این افراد اجازه شکستن روزه را دارند، (اما باید بعد از بهبودی و بعد از رمضان روزه هایی را که شکسته اند قضا نمایند).

### بیمار و روزه گرفتن

شخصی که در ماه رمضان دچار بیماری و تب شده واجب نیست روزه بگیرد (فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ)

بیماران به سه دسته تقسیم می شوند:

- ۱ - بیمارانی که به هیچ وجه نمی توانند روزه بگیرند.  
این بیماران عبارتند از: بیماریهای دیابتی، بیماری قلبی، فشار خون دائمی، این بیماران اگر نتوانستند روزه بگیرند باید هر سال به ازاء هر روز روزه فدیة بدهند و فدیة روزه هم طعام یک مستمند است.

۲ - دسته دوم بیمارانی هستند که بیماریشان جای بیم نیست، اما دارو مصرف می کنند و اگر داروهایشان را مرتب مصرف نکنند احتمال شدت گرفتن بیماری شان وجود خواهد داشت، این بیماران تا هنگام بهبود یافتن از بیماری اجازه دارند روزه نگیرند، البته بعد از رمضان و بهبود یافتن از بیماری باید روزه هایشان را حتماً قضا نمایند.

۳ - دسته سوم بیمارانی هستند که بیماریشان دائمی است مانند: بیمارانی که فقط یک کلیه دارند، یا بیمارانی که چشمشان ضعیف است یا زخم معده شدید دارند این بیماران باید به پزشک معالج مراجعه کنند، و در صورتی که روزه گرفتن برایشان ضرر نداشت می توانند روزه رمضان را تمام و کامل بگیرند و اگر هم از طرف پزشک معالج اجازه گرفتن روزه را نداشتند، فقط با دادن فدیة این تکلیف از روی دوششان برداشته می شود و لزومی ندارد روزه باشند و اگر شخصی هم بخاطر مسن بودن توانایی روزه گرفتن را نداشت این مورد هم فقط با دادن فدیة تکلیف از روی دوششان برداشته می شود.

### حکم روزه گرفتن در سفر

(فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ)

و هر کس از شما مریض باشد و یا در مسافرت است پس از رفع کسالت و پایان مسافرت روزه بگیرد.»

پس معلوم شد که مسافران اجازه شکستن روزه را دارند. پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

(هی رخصه من الله فمن أخذ بها فحسن، منأحب أن يصوم فلا جناح علی)

«مباح بودن روزه نگرفتن در سفر رخصتی است از جانب خداوند پس هر کس از این فرصت استفاده نمود کار خوب و پسندیده ای انجام داده است، و هر کس روزه گرفتن را دوست داشت هیچ گناهی بر او نیست و اشکالی ندارد.»

بنابراین، این رخصتی الهی است پس هر کس دوست داشت در سفر روزه بگیرد و هر کس دوست نداشت اجازه دارد روزه نگیرد.

همانا خداوند متعال در سوره بقره می فرماید: (يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ)

«خداوند برای شما حکم را آسان نموده و تکلیف را مشکل نگرفته است.»

## واجبات کفاره روزه

کفاره روزه به این دلیل است که شخص به خاطر شکستن روزه هایش مرتکب گناه شده، با قضا کردن روزه هایش و دادن کفاره گناه قبلی از دوشش برداشته می شود.

- ۱ - اگر شخصی عمدی روزه اش را بشکند کفاره دارد و باید روزه اش را هم قضا کند. البته کفاره هنگامی که شخص نتواند در سال رمضان جاری آن را قضا نماید واجب می شود.
- ۲ - کسی که احتمال بیماری را در خودش داده باشد نباید روزه اش را بشکند بخاطر احتمالی که خودش داده است، بلکه بعد از ظاهر شدن بیماری اجازه این کار را دارد و الا باید هم روزه را قضا کند و هم اینکه کفاره آن روز را پرداخت کند.
- ۳ - مسافری که قبل از بیرون رفتن از دیارش روزه اش را بشکند.
- ۴ - اگر شخصی روزه رمضان را نگرفته باشد بنا به دلایلی که قبلاً ذکر گردید باید تا قبل از آمدن رمضان سال بعد آن را قضا کند، در غیر اینصورت باید هم روزه هایش را قضا نماید و هم کفاره بپردازد، اما اگر قضا نکردن روزه عمدی نباشد، بعلت بیماری و یا دستور پزشک و یا هر دلیل دیگری که بخاطر آن نتوانسته است روزه اش را قضا کند، کفاره واجب نیست اما همینکه موانع برطرف شدند، باید بلافاصله روزه هایش را قضا کند، و الا اگر شخصی بدون عذر موجه در قضا کردن روزه فوت شده رمضان تأخیر نماید کفاره واجب می شود و باید توجه داشت که شکستن روزه بطوری که در بالا ذکر شد (البته در ماه رمضان) عمدی به حساب می آید و حرام است و این گونه شکستن روزه هم قضا دارد و هم کفاره، اما اگر کسانی که این موارد برایشان پیش آمده باشد، اما اطلاع کافی در این مورد نداشتند لزومی ندارد کفاره ای بپردازند ولی بعد از فهمیدن این موضوع باید حتماً به این امر مهم توجه داشته باشند.

## فطره ماه رمضان

بر هر فرد مسلمانی زن و مرد، کوچک و بزرگ و هر کس که روزه رمضان برپا داشته واجب و لازم است، فطریه روزه را تا قبل از آمدن عید فطر بپردازد و نباید فطریه روزه را به بعد از عید فطر موکول نماید چون اگر این کار را بدون دلیل انجام دهد حرام است. امام شافعی (ره) می فرماید: می توان اول ماه رمضان فطریه روزه را دفع کرد، و بهترین موقع برای دفع کردن فطریه روزه قبل از نماز عید فطر است.



امام ابوحنیفه (ره) می فرماید: می توان قبل از آمدن ماه رمضان فطریه روزه را دفع کرد. فطریه روزه بخاطر این است که مسلمان از بدیهای گذشته پاک شود و نیز برای پاک شدن از گناهان کوچک زمان روزه داری است، یکی دیگر از حکمتهای فطریه این است که مستمندان هم از شادی های عید برخوردار باشند و مسلمانان بخشش کردن را عادت کنند همانطور که در بالا ذکر شد بر هر فردی فطریه روزه رمضان واجب است حتی مستمندان مگر اینکه واقعاً توانایی دادن فطریه را نداشته باشند که در این صورت تکلیف از روی دوششان برداشته می شود.

### عظمت شبهای قدر در چیست؟

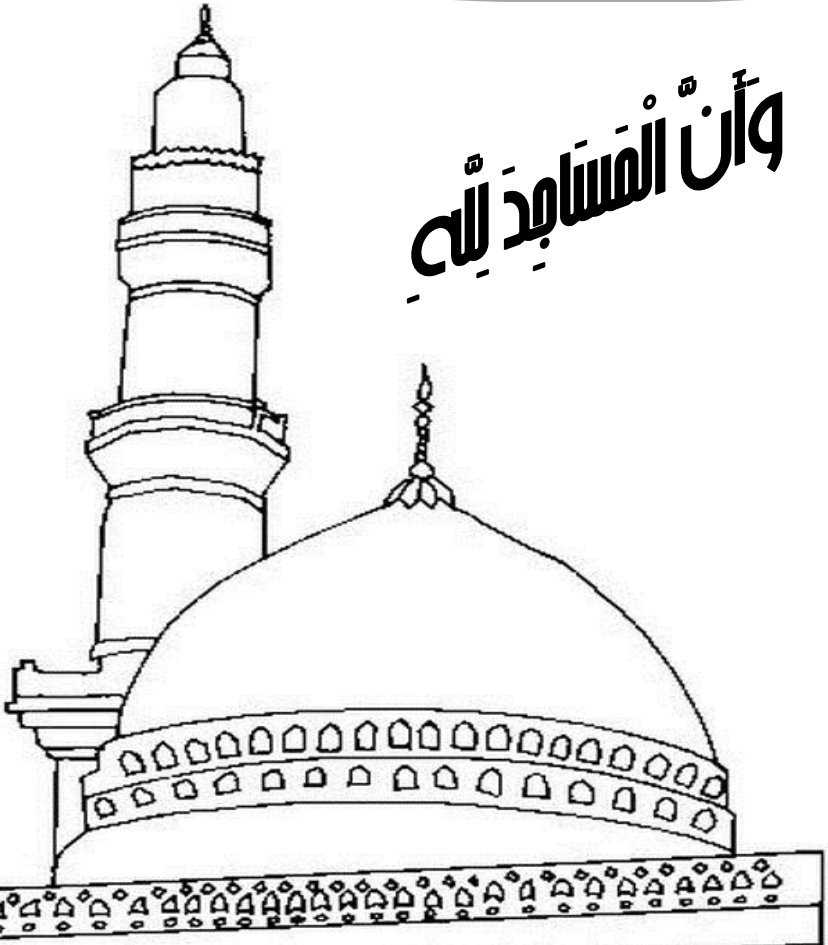
امام مالک می فرماید: عمر امتهای گذشته به پیامبر (ص) نشان داده شده است و او هم احساس کرده که سن امتش به نسبت امتهای گذشته کوتاه است و نمی توانند در عبادت به آنها برسند، بنابراین خداوند متعال در این شبها برکت در عبادت قرار داده است و این شب به (خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ) شناخته شده است یعنی عبادت در این شب مساوی است با هزار ماه یعنی هشتاد و سه سال عبادت، خداوند متعال همه مسلمانان را از برکت این شبها بی نصیب ننماید.

### آداب شب زنده داری (شب قدر)

- ۱ - برپا کردن نمازهای شب و نمازهای سنت هشت رکعت نماز تراویح و سه رکعت نماز وتر (البته نماز تراویح ویژه شبهای رمضان می باشد)
- ۲ - خودداری از حرفهای بیهوده و لهو و لعب.
- ۳ - خواندن قرآن.
- ۴ - تفکر و تدبیر.
- ۵ - برپا کردن مسابقه های دینی و قرآنی.
- ۶ - خوابیدن بعد از نماز عشاء برای اینکه توانایی شب زنده داری داشته باشیم.
- ۷ - خوردن و آشامیدن در طول شب زنده داری.
- ۸ - این شبها را به صبح رسانیدن (حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ)
- ۹ - زیاد خواندن این دعا در این شبها (اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفْوٌ تُجِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُو عَنِّي).



# وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ



مسجد محل عروج و رسیدن به خداست.

مسجد مکان سجده در برابر عظمت خداست.

مسجد مکان آزادی بشر از قید بردگی و بندگی مخلوقات است.

مسجد مکان بیان نمودن بندگی در برابر پروردگار بندگان است.

مسجد مکان شناخت و گذرگاه رسیدن به سعادت در جوار خداوند مهربان است.

مسجد در اسلام از جایگاه ویژه و رفیعی برخوردار است. مکانی که خانه‌ی خداست.

مسجد مکان پاک کردن شرک و نابود کردن باطل و جایگزین کردن حق و حقیقت است.

## سئوالات رمضانی

### شرایط درست بودن نیت روزهی رمضان کدامها هستند؟

جواب: پاداش هرکاری به نیت بستگی دارد و جایگاه نیت در قلب است؛ ضرورتی ندارد که نیت بر زبان جاری شود، در مذهب شافعی گفتن نیت با زبان سنت است. از این رو نیت دارای شرایطی است از جمله:

۱- نیت باید در بخشی از شب [بعد از غروب خورشید تا پیش از طلوع فجر صادق] انجام گیرد.

۲- تعیین نمودن نوع روزه؛ فرد تعیین کند که روزه فرض رمضان است یا ...

۳- هر شب نیت تکرار شود، زیرا روزه در هر روزی عبادتی مستقل است و نیاز به نیت جداگانه دارد.

من ناراحتی معده دارم و هر رمضان هم روزه را کامل می‌گیرم ولی از سحر تا افطار درد می‌کشم و ماهها بعد از رمضان باید مداوم خودم را مداوا کنم تا یه کم بهتر شوم آیا می‌توانم روزه بگیرم و یا در ماههای که روزهای کوتاه‌تری دارد مثل پاییز روزه قرض بگیرم؟

جواب: اگر پزشک متخصص و معتمد تشخیص دهد که روزه برای شما زیان دارد، شما روزه نگیرید و در طول سال قضای آن روزه را به جای آورید یا اگر نتوانید قضای آن را به جای آورید، کفاره‌اش را بدهید. خداوند متعال درباره روزه گرفتن افراد بیمار می‌فرماید: «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» [بقره: ۱۸۵] «و اگر کسی بیمار یا مسافر باشد (می‌تواند از رخصت استفاده کند و روزه ندارد و) چندی از روزهای دیگر را (به اندازه‌ی آن روزها روزه بدارد). خداوند آسایش شما را می‌خواهد و خواهان زحمت شما نیست».

من روزهای زیادی قریب به ۱۶۰ تا ۱۸۰ روز در سالیان گذشته روزه‌ام را به دلایل مختلفی و عمداً خورده‌ام، می‌خواستم بدانم باید چکار کنم؟

جواب: اگر توان گرفتن قضای روزه را دارید، قضای روزه‌ها را به‌جای آورید، اگر توان گرفتن قضای آن را ندارید، به‌جای هر روز یک مد [حدود ۷۵۰ گرم] غذا به نیازمندان بدهید، اگر توانایی گرفتن قضای روزه و دادن غذا را نداشته باشید، استغفار کنید و بر عبادت‌هایتان پایبند باشید، خداوند مهربان و آمرزنده است.

### اگر در ماه رمضان کسی مسافر باشد و نیت روزه کند و در طول روز به‌وسیله‌ی ارتباط جنسی یا به دلیل دیگری ارضاء شد، حکم آن چیست؟

جواب: اگر در حالت روزه‌داری با همسرش نزدیکی کند، باید کفاره‌ی آن را بدهد؛ یعنی شصت روز پی‌درپی روزه بگیرد، اگر نتواند پی‌درپی روزه بگیرد، به شصت مسکین غذایی یک روزشان را بدهد. اگر به‌وسیله‌ی استمنای روزه‌اش را بشکند، باید استغفار کند و یک روزه‌ی قضا به‌جای آورد.

اگر با فکر کردن ارضا شده باشد، روزه‌اش باطل نمی‌شود و چیزی بر او لازم نیست.

### آیا روزه با عطر باطل می‌شود؟

جواب: خیر؛ روزه با بوی خوش مانند بوی عطر و... باطل نمی‌شود، اما برای روزه‌دار مکروه است و بهتر است از آن دوری کند، فقه‌های مالکی و حنبلی بوییدن بوی خوش را برای روزه‌دار مکروه می‌دانند ولی از نظر ما استشمام بوی خوش برای روزه‌دار مکروه نیست.

### زنی که تنبلی می‌کند و قضای روزه را بجا نمی‌آورد، آیا شوهر او مکلف است هر سال قضای روزه‌های او را بجا بیاورد؟ مضاف بر اینکه هر سال هم به دلیل عادت ماهیانه چند

### روزی به آن نیز اضافه می‌شود؟

جواب: اگر فردی با عذر موجه قضای روزه‌اش چند سال به تأخیر افتد، تنها قضا بر او لازم است و فدیة ندارد.

اما اگر بدون عذر به‌جای آوردن قضای روزه را به تأخیر اندازد، برخی از علما از جمله مالکیه، شافعیه و حنابله گفته‌اند: افزون بر قضا، فدیة نیز بر او لازم است. اما حنفیه و برخی دیگر از فقها گفته‌اند: فدیة بر او لازم نیست.

## آیا حمام کردن روزه را باطل می‌کند؟ اگر جُنُب باشی و سحر وقت نکنی که حمام کنی آیا روزه باطل است؟

جواب: حمام کردن روزه را باطل نمی‌کند. اگر فرد بعد از طلوع فجر صادق غسل واجب را انجام دهد، روزه‌اش باطل نیست.

## آیا اگر بعد از اذان عصر پی‌ریز شویم، روزه قبول است؟

جواب: اگر اندکی پیش از غروب خورشید خانمی قاعده شود، روزه‌اش باطل می‌شود و بعد از رمضان باید قضای آن روز را به‌جای آورد، اما ثواب آن روز را دارد.

## همسرم حامله است آیا در ماه مبارک رمضان با توجه به طولانی بودن روز و نیاز او به تغذیه‌ی مناسب، می‌تواند روزه نباشد؟

جواب: به اتفاق علما زن باردار و شیرده رخصت دارد که روزه نگیرد و بعد قضای آن را به‌جای آورد. اگر به‌جای آوردن قضای روزه بدون عذر به تأخیر افتد، یا به خاطر آسیب ندیدن کودک روزه نگیرد، در مذهب شافعی و حنبله و هم قضا دارد و هم کفاره، اما اگر با وجود عذر، به تأخیر افتد، تنها قضای آن را به‌جای می‌آورد و کفاره ندارد. ولی مطابق نظر برخی دیگر از فقها در هر دو صورت، تنها قضای روزه بر او واجب است و کفاره ندارد.

## آیا مراجعه کردن به پزشک به زنان و معاینه واژن روزه را باطل می‌کند؟

جواب: معاینه واژن روزه را باطل نمی‌کند، اما بهتر است این کار در زمان روزه انجام نگیرد.

## آیا بوسیدن و در آغوش گرفتن زن و شوهر در ماه مبارک رمضان باعث بی‌ثواب شدن و ابطال روزه می‌شود؟

جواب: در احادیث صحیح بخاری شماره ۱۹۲۸ و صحیح مسلم شماره ۲۵۸۱ و ۲۵۸۳، روایت شده است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در حال روزه‌داری همسران خود را می‌بوسید. پس بوسیدن همسر برای کسی که بر نفس خود کنترل دارد و موجب تحریک شهوتش نمی‌شود، درست است.

روایت شده که عمر-رضی الله عنه- در حال روزه‌داری همسرش را بوسید، سپس در این باره از پیامبر-صلی الله علیه وسلم- پرسید، آن حضرت فرمود: «آیا اگر به هنگام گرفتن وضو مضمضه کنی روزهات باطل می‌شود؟ پس بوسیدن همسر نیز همین حکم را دارد (یعنی روزه را باطل نمی‌کند).» [سنن ابوداود، شماره ۲۳۸۵]

### آیا می‌توان با داشتن روزهی قرضی، روزهی ماه مبارک را گرفت؟

جواب: بله، بر فردی که توانایی روزه گرفتن دارد، فرض است که روزهی رمضان را بگیرد و در وقت‌های دیگری قضای روزهایی را که دارد، به‌جای آورد.

کسانی که شغلشان جزء مشاغل سخت است و نمی‌توانند در ماه رمضان روزه بگیرند و در ماه‌های بعد نیز نمی‌توانند قضای روزه‌هایشان را به‌جای بیاورند، حکمشان چیست؟ پدرم در نانوائی کار می‌کند. به دلیل سختی کار نمی‌تواند قضا به‌جا آورد. راه دیگری برای پدرم هست؟

جواب: چنین فردی می‌تواند در طول سال و با فاصله زمانی، یعنی هر چند وقت، یک روز، قضای روزه را به‌جای آورد. اما اگر چنین کاری برایش ممکن نباشد، برای هر روزی یک مدّ -حدود هفتصد گرم- به عنوان کفاره به نیازمندان بدهد.

### فطر به که در دو سال قبلی پرداخت نشده است، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر فرد مالی نداشته که فطر به پرداخت کند، چیزی بر او لازم نیست، اما اگر مالی داشته و فطر به پرداخت نکرده است، باید برای هر سالی، به ازاء هر فرد یک صاع (حدود دو کیلو و نیم) از غذای متوسط محل یا بهای آن را به نیازمندان بپردازد.

### حکم کسی که روزه‌اش را عامداً افطار کند، چیست؟

جواب: درباره‌ی این مسأله بین علمای مذاهب، دیدگاه‌های متفاوتی است؛ برخی از آنان مانند حنفی‌ها معتقدند که کفاره دارد و کفاره‌ی آن به ترتیب دو ماه پی در پی روزه بگیرد، و اگر نتواند روزه بگیرد، به شخصت مسکین به هر کدام یک مُد غذا یا بهای آن را بدهد.

برخی از آنان مانند شافعی‌ها گفته‌اند: کسی که عمداً روزه را افطار کند گناهکار است، و بر او لازم است که توبه کند، و یک روز به جای آن قضا به جای آورد.

**لطفاً بفرمایید مبلغ دقیق فطریه‌ای که امسال هر روزه‌دار باید پردازد (برابر فقه شافعی) چقدر است؟**

جواب: بستگی به قوت غالب هر شهری دارد، که غالباً برنج یا گندم است، و مقدار آن حدوداً دو کیلو و هفتصد گرم یا بهای آن به عنوان فطریه پرداخت شود.

**برای کسی که دانشجو است و درس سنگین و امتحان دارد و روزه داری برای او با عدم یادگیری و عدم درک مطلب و خواب آلودگی همراه است، نگرفتن روزه چه حکمی دارد؟**

جواب: چنین فردی بمانند کسانی است که کارهای سخت و طاقت فرسایی انجام می‌دهند و نمی‌توانند روزه بگیرند، رخصت دارند که روزه نگیرند. پس اگر گرفتن روزه برای آن دانشجو دشوار باشد و نتواند درسهایش را با موفقیت بگذرانند، با استناد به آسان‌گیری دین و رفع حرج، وی می‌تواند روزه نگیرد، و بعداً قضا آن را به جای آورد.

**حکم تزریق آمپول در حالت روزه‌داری چیست؟**

جواب: تزریقاتی که برای درمان انجام می‌گیرد، روزه را باطل نمی‌کنند. اما درباره‌ی آمپول‌های تقویتی، دیدگاه بیشتر علمای متأخر بر آن است که آمپول‌های تقویتی و خوراکی روزه را باطل می‌کنند.

**حکم به استفاده از دارو برای به تأخیر انداختن عادت ماهانه‌ی خانم‌ها در ماه رمضان چیست؟**

جواب: اگر مصرف دارو از نظر پزشکی به سلامتی زن آسیبی نرساند، از نظر فقهی مانعی ندارد، اما بهتر است از دارو استفاده نشود تا زمان عادت ماهانه به طور طبیعی سپری شود و بعد از رمضان قضای روزه را به جای آورد.

## سه درجه روزه ، روزه عوام ، روزه خواص ، روزه خواص خواص

امام غزالی -رحمه الله- روزه را به سه درجه‌ی «روزه‌ی عوام، روزه‌ی خواص، روزه‌ی خواص خواص» تقسیم کرده است:

«روزه‌ی عوام» عبارتست از خودداری کردن از خوردن و آشامیدن و روابط جنسی.

«روزه‌ی خواص خواص» آن است که دل از اندیشه‌ی هر چه غیر از خداست نگه داشته شود و اگر به غیر خدا و آخرت بیاندیشد، روزه‌اش باطل می‌گردد. این نوع روزه، روزه‌ی پیامبران و صدیقان و مقربان است.

«روزه‌ی خواص» عبارت است از این که روزه‌دار اعضا و جوارح خود را از کارهای ناشایست نگه دارد. کمال این نوع روزه با رعایت شرایط زیر تحقق می‌یابد: ۱۰ چشم خود را از نظر کردن به هر آن چه مذموم و مکروه است و وی را از ذکر و یاد خدا مشغول می‌سازد، نگه دارد. چون پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ الشَّيْطَانِ، فَمَنْ تَرَكَهَا مَخَافَةَ أَعْقَبْتَهُ عَلَيْهَا إِيمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ فِي قَلْبِهِ» (مسند الشهاب) «نظر تیری زهر آگین از تیرهای شیطان ملعون است، پس هر کس از بیم خدا از آن حذر کند، خداوند او را خلعت ایمان دهد که حلاوت آن را در دل خود خواهد یافت.»

۲. زبان خود را از سخنان بیهوده، دروغ، غیبت، سخن چینی، فحش، دشنام و مجادله نگه دارد و آن را یا به ذکر خدا و قرآن خواندن و سخنان مفید مشغول دارد و یا سکوت کند.

۳. گوش خود را از هر سخن ناشایستی نگه دارد؛ چرا که شنونده در معصیت دروغ و غیبت و... شریک گوینده خواهد بود. هر چه گفتن نشاید، شنیدن هم نشاید.

۴. دست و پا و دیگر اعضا و جوارح خود را از کارهای ناشایست نگه دارد و هنگام افطار شکم خود را از خوردنی‌های حرام و حتی شبه‌آمیز هم باز دارد؛ چرا که روزه که به معنی خودداری از خوردن روزی حلال است؛ با افطار کردن با روزی حرام معنی و مفهوم خود را از دست می‌دهد. از همین رو پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرموده است:

«رَبِّ صَائِمٍ لَيْسَ حِظُّهُ مِنْ صِيَامِهِ الْجُوعُ وَالْعَطَشُ» (مسند احمد) یعنی: «بسیارند روزه‌دارانی که از روزه‌ی خود جز گرسنگی و تشنگی بهره‌ای نمی‌برند.»



۵. هنگام افطار نه تنها از روزی حرام و شبهه‌آمیز دوری کند، بلکه از روزی حلال نیز زیاد نخورد؛ چرا که هدف از روزه تضعیف شهوات است. آیا اگر انسان آن‌چه را در روز از خوردن آن خودداری کرده است هنگام افطار جبران کند، هدف روزه تحقق پیدا می‌کند؟ حتی خوردن غذاهای دو وعده در یک وعده به ویژه اگر از غذاهای متنوع و گوناگون باشد نه تنها شهوات را تضعیف نمی‌کند بلکه آن‌ها را تقویت نیز می‌کند. از این رو بهتر آن است که روزه‌دار هنگام روز زیاد نخوابد تا آثار گرسنگی و تشنگی و ضعف شهوات را احساس کند و در نتیجه قلب او صفا یابد و در شب هم، با کم‌خوری مقداری از آثار این ضعف شهوات باقی بماند تا بتواند شب‌زنده‌داری کند و نماز شب بخواند.

۶. بعد از افطار دل او بین خوف و رجا و بیم و امید معلق باشد؛ چرا که نمی‌داند روزه‌اش مقبول درگاه حق خواهد شد یا نه؟

در پایان از خداوند منان مسألت می‌نماییم که توفیق بهره‌مندی از ثمرات و برکات روزه را به همه‌ی ما عطا بفرماید تا بتوانیم با تزکیه‌ی نفس و زمینه‌سازی برای متقی شدن و با ایجاد تغییر و تحول در درون خود، زمینه‌ی تحقق سنت الهی {إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْيِرُ مَا بَقِوْمٍ حَتَّىٰ يَغْيِرُوا مَا بَأَنفُسِهِمْ} را فراهم نماییم.

[۱]- امام محمد غزالی، إحياء علوم الدين، ج ۱، صص ۳۵۱-۳۵۰، با تلخیص و اختصار

## دعای استغفار

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ظَلَمْتَنِي وَأَنَا  
عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَىٰ عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا  
اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبِوءُ  
لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبِوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ  
لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ

## روزه تمرین تحوّل

نویسنده: جلیل بهرامی نیا

یکی از مبانی فلسفی تربیت، امکان تربیت است؛ یعنی اینکه ایجاد تغییر و تحول در نوع و وضع تربیتی/اخلاقی ما ممکن است و آدمی می‌تواند از موجود به سوی مطلوب حرکت کند؛ تصلب نگرش و منش آدمی بر اثر رسوب عادات شخصی و اجتماعی و گُند بودن آهنگ تغییر اخلاق پس از سی سالگی، نگرشی خلاف این مبنا را القا و ترویج کرده است و معمولاً نگرش رایج این است که: «اگر دیدی کوه‌ها جا به جا شدند باور کن، اما اگر شنیدی که اخلاق و شخصیت کسی تغییر کرده باور مکن!».

این امر نشان می‌دهد که پویایی منش آدمی و تحول‌پذیری اولیه اخلاق وی، خیلی زود قربانی عواملی چون فرهنگ رایج و تاریخ زندگی فرد می‌گردد و آدمی در زندان عادات و آداب و رسم اجتماعی محبوس می‌شود و با نگرش‌های خود و فرهنگ متداول خو می‌کند و تلقی دیگران از خود نیز می‌پذیرد!

روزه از جهت شکستن عادت و ایجاد توان مقاومت در برابر نیرومندترین سائق‌ها و نیازها، که همان نیازهای فیزیولوژیک هستند، ابزار تربیتی کم‌نظیری است که کارکرد مؤثرش در تحول‌آفرینی، ارزش پرورشی گرانبهایی به آن بخشیده است که نباید از آن غفلت کرد! روزه تمرین ایجاد تحوّل در رفتار و منش است و ادای آن در ماه رمضان، کنترل‌پذیری نفس را به صورت عینی و عملی به همگان می‌نماید و توهم مرعوبانه‌ی کسانی را که اخلاق اسلامی را ناسازگار با توان بشر متعارف می‌دانند، باطل می‌سازد؛ فراموش نکنیم هستند کسانی که در لوای جامعه‌شناسی، اسلامیزه کردن اخلاق را هدفی از بن نادرست می‌دانند از آن جهت که مستلزم پرورش طراز خاصی از انسانهاست که فقط در کتاب‌ها وجود دارند و با بشر واقعی ساکن جغرافیا و تاریخ تناسبی ندارد!

اینان فراموش کرده‌اند که انسان تنها موجودی است که پتانسیل تحول ماهوی و تبدیل شدن به غیر خویش را دارد و انسانیت او یک شدن مستلزم مراقبه و معاتبه‌ی مداوم است و هسته‌ی اخلاق اسلامی نیز در پرتو همین ویژگی ماهوی، تزکیه‌ی نفس است نه ترضیه آنکه هسته‌ی اخلاق سکولاریستی است.

امیدوارم روزه‌ی ماه مبارک رمضان، چنان ذخیره‌ی معنوی درون ما را شارژ و ارتقا بخشد که در مابقی ماههای سال نیز توان درافتادن با تمایلات نفسانی و پیراستن اخلاق از ردائل را داشته باشیم و مشمول این دو آیه‌ی شریفه شویم:

«وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ (۴۰) فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۗ» (النازعات: ۴۰-۳۹)

## راهکارهای عملی تغذیه‌ی سالم در ماه مبارک رمضان

### دکتر حدیث صبور - متخصص تغذیه و رژیم درمانی

با رعایت اصول تغذیه‌ای صحیح در ماه مبارک رمضان می‌توان عوارض ناشی از گرسنگی طولانی مدت را به حداقل رساند .

- ۱- در زمان افطار روزه‌تان را با یک لیوان چای کم‌رنگ یا آب جوش + یک عدد خرما باز کنید .
- ۲- بعد از ۱۵-۲۰ دقیقه غذای اصلی که شامل ترجیحاً نان کامل مانند سنگگ یا نان‌های سبوسدار و مواد پروتئینی کم‌چرب مانند: ران مرغ سینه مرغ به همراه ماست کم‌چرب و انواع سالاد میل کنید .
- ۳- دقت کنید در مصرف سس‌های پرچربی مانند سس مایونز و حتی روغن زیتون زیاده‌روی نکنید .
- ۴- در صورت تمایل به مصرف برنج در وعده افطاری می‌توانید بجای ۱ برش نان سنگگ ۱۰ در ۱۰ از ۶ قاشق غذاخوری برنج استفاده نمایید .
- ۵- در صورت تمایل به مصرف آش یا سوپ بهتر است به جای وعده‌ی افطار از ۱ بشقاب آش یا سوپ (هر نوع سوپ) میل نمایید .
- ۶- توجه داشته باشید که ۱ بشقاب آش یا سوپ به اندازه ۱ بشقاب برنج چاق کننده است .
- ۷- از مصرف غذاهای حجیم و پرانرژی در وعده افطار خودداری نمایید .
- ۸- بعد از ۲ ساعت ۲ واحد میوه‌ی فصل میل کنید (هر واحد میوه برابر حجم تقریبی یک سیب متوسط است)
- ۹- توجه داشته باشید که در مصرف میوه زیاده‌روی نکنید بعنوان مثال میزان کالری نصف بک عدد انار یا نصف موز معادل ۵ قاشق غذاخوری برنج می‌باشد و به همین اندازه می‌تواند چاق کننده باشد .
- ۱۰- قبل از خواب یک لیوان شیر کم‌چرب و یک ۱ واحد میوه‌ی فصل می‌توانید میل نمایید .
- ۱۱- برخی اوقات بجای شیر می‌توانید یک فنجان بستنی بدون خامه میل کنید .

- ۱۲- در هنگام سحری به میزان یک تا سه کفگیر (بر اساس سن و جنس فرد) برنج کم روغن بدون ته دیگ می‌توانید میل کنید .
- ۱۳- در صورت تمایل به نان از نان سنگک یا نان‌های سبوسدار به جای برنج استفاده کنید .
- ۱۴- ترجیحاً از گوشت‌های سفید به عنوان خورشت استفاده کنید .
- ۱۵- در مهمانی‌ها ترجیحاً از جوجه کباب یا برگ بجای کوبیده و شیشلیک استفاده کنید .
- ۱۶- ماست کم چربی و سالاد را در وعده‌ی سحری فراموش نکنید .
- ۱۷- شما می‌توانید روزانه سه حبه قند یا یک عدد زولبیا یا بامیه مصرف نمایید .

### مواد غذایی زیر را به دلخواه می‌توانید مصرف نمایید :

- آدامس بدون قند مانند: آسپارتام، ساخارین، ژله بدون قند، آب معدنی گاز دار، چای، قهوه، نوشابه رژیمی، انواع ادویه (مانند زرد چوبه، دارچین) سیر، فلفل، لیمو ترش، آبلیمو، ترشی سرکه و لیمو عمانی
- حتی‌الامکان مصرف فرنی، شله زرد، حلوا، آش و شیربرنج را در رژیم غذایی محدود نمایید .
- شما می‌توانید در ایام ماه رمضان سه قاشق غذا خوری فرنی یا شله زرد یا حلوا یا شیر برنج میل نمایید .
- در ماه رمضان، مصرف چای و قهوه را محدود کنید، زیرا این مواد باعث افزایش ادرار و از دست دادن آب بدن می‌شوند .
- آب را فراموش نکنید. آب در حدود دو سوم وزن بدن را تشکیل می‌دهد. لذا توصیه می‌شود که بعد از افطار آب بنوشید.

## چگونه در آموزشگاه رمضان تقوا را بیاموزیم؟

نوشته: عبدالخالق احسان

ماه مبارک رمضان بسان مدرسه و آموزشگاهی می ماند که در آن مضامینی تدریس می شود، هر مضمون نمره ای دارد و در پایان ماه هم تقدیر نامه ها توزیع می گردد؛ مضمون های درسی آموزشگاه رمضان را می توان این طور برشمرد: درس اخلاق، فداکاری، ایثار، تقوا و... .

مهمترین درس رمضان درس تقوا است که خواستم درین مقال ناچیز اشاراتی داشته باشم. خداوند ج در مورد اهمیت تقوا و این که از اساسی ترین درس های رمضان است می فرماید: ( كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ - البقرة ۱۸۳ ) روزه بر شما فرض شد همانگونه که بر امت های پیش از شما فرض شده بود تا پرهیزگار و متقی شوید. تقوا یکی از مهم ترین آموز دینی است که قرآن کریم در شماری از آیات که به ۲۵۸ آیه می رسد به آن پرداخته است، و این بیانگر اهمیت تقوا است؛ زیرا تقوا در زندگی انسان نفوذ دارد و تمام اجزای زندگی را در بر می گیرد.

رمضان ماه تقوا است چه زیباست که در ماه مبارک رمضان تقوا را تجربه کنیم تا لذت و مزه آن را بچشیم تا کسی چیزی را مزه مزه نکند به اهمیت آن پی نمی برد؛ بیایم بانه به خداوند ج و در پرتو نور افشانی رمضان زندگی خویش را با تقوا عجین سازیم چراکه تقوا از وقایه گرفته شده و ما را از همه مریضی های روحی و روانی وقایه می کند. مریضی های چون: ریا، غرور، خود بزرگ بینی، دنیا پرستی، هوسرانی و... قابل یاد آوری است که تقوا فعل است، قول نیست؛ اگر زبان و قلم ما تقوا را بارها تکرار کند تا عملاً وارد تقوا نشویم و تقوا را با تمام گونه های آن عملی نسازیم از درس تقوا ناکام خواهیم شد ناکامی که رسوایی دنیا و آخرت را به دنبال دارد.

گونه های تقوا: مضمون تقوا مثل بسیاری از مضامین بخش های دارد که مجموع بخش های تقوا ما را به سعادت می رساند، لذا لازم است تمام گونه های تقوا را شناسایی نماییم تا سراسر زندگی ما با تقوا گردد.

اول- تقوای زبانی: انسان مسلمان باید همیشه مواظب زبان خویش باشد چراکه زبان باعث نجات انسان از همه مهلکه هاست و هم باعث سقوط انسان در منجلاب بدبختی و زحمت ها. در مورد اهمیت حفظ زبان

همین کافی است که خداوند می فرماید [۱]: مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ [۱۸] انسان هیچ سخنی را بیان نمی کند مگر این که کسی مؤظف است تا سخنان او را یاد داشت و ثبت نماید. و رسول خدا فرمودند: کسی که زبانش را از یاهه گویی تضمین کند بهشت را برایش تضمین می کنم. حالا اگر مدت یازده ماه زبان در کنترل ما نبوده، بایم در آموزشگاه رمضان این درس تقوا را عملی کنیم و حفظ زبان را برای خود ملکه سازیم تا همیشه در اختیار و کنترل ما قرار داشته باشد. اگر خدای نخواست در رمضان هم تقوای زبان نداشتیم، روزه ی ما ارزش و اهمیت خود را از دست می دهد چنانچه رسول خدا می فرماید: هر کس حرف دروغ و عمل بدان را ترک نکند خودداری از خوردنی ها و نوشیدنی ها برای خدا هیچ ارزشی ندارد. بخاری

تقوای زبان شامل نگهداشتن زبان از دروغ، غیبت، تهمت، دشنام، سخنان تحریک آمیز، خواندن نوشته های تحریک آمیز، مزاح های بیجا می شود.

بدبختانه که بعضی ها به بهانه شوخی و مزاح و خوش طبعی یکدیگر را دشنام می دهند، دشنام های زشت و ناروا، حتی شرم آورتر این که در دشنام های بی جای خود پدر و مادر خویش را نیز بی نصیب نمی گذارند. خداوند همه ما را از شر این بی تقوای های زبانی حفظ نموده و به برکت ماه مبارک رمضان از تقوای زبانی ما را بهره مند گرداند.

دوم - تقوای قلبی: تقوای قلبی نیز از ضروریات زندگی اسلامی است، انسان اگر قلبش را اصلاح نکرد این همه اعمال ظاهری دردی را دوا نمی کند چرا که اعمال قلبی از اعمال جوارح در اولویت قرار دارد. تقوای قلبی و مقابله با همه امراض قلبی در هر وقت ضرور است، اما اگر در طول سال قلب های ما بی تقوا بوده، چی زیباست در ماه رمضان که ماه تقوا است؛ قلوب خویش را از بیماری های قلبی نجات داده و تقوای قلبی را سروسامان دهیم. تقوای قلبی این امور را احتوا می کند: اخلاص، حسن ظن، ارزش قایل شدن به اهل تقوا، اخوت و برادری، مدارا، گذشت، بخشش و دوری از تکبر و خود بزرگ بینی که برتری جویی فرهنگ شیطانی است و دوری از بدگمانی، حقد، کینه، غضب، انتقام جویی، حسادت، لجاجت و..... اگر توانستیم در ماه مبارک رمضان اهل تقوای قلبی شویم، انشاء الله در بقیه سال نیز این تقوا یاور و همراه ما خواهد بود.

سوم - تقوای عملی: بر انسان مسلمان لازم است تا در تمام اعمال و حرکاتش تقوا وجود داشته باشد، به ویژه در رمضان که می شود تقوای عملی را نیز تمرین و مشق نمود. در تقوای عملی انسان مسلمان تمام کارهایش را در روشنایی فرامین الهی انجام می دهد، و در هر جا و مصروف هر عملی که باشد نمونه ای از انسان باتقوا است. چنانچه رسول خدا می فرماید: { اتق الله حیثما کنیت } ترمذی. هر جا هستی از خدا پروا داشته باش. در تقوای عملی مسلمان هر نگاهی بکند، لبخندی بزند، قدمی بردارد، چیزی به شکمش وارد کند، خرید نماید، چیزی بفروشد. اولتر حکمش را نگاه می کند که اگر مطابق شریعت بود انجام می دهد و اگر خلاف شریعت بود ترکش می کند گرچه در ظاهر خیلی مفادی عایدش گردد.

چهارم - تقوای مالی: مال و دارایی از نظر اسلام مردود نیست، بلکه خداوند در قرآن مال را خیر و خوبی گفته است؛ اما در اسلام مال پرستی بداست و اینکه برده ای مال شویم و اینکه مال و دارایی را در قلب خویش جای داده، هیچ نگذاریم از قلب ما محبت مال بیرون شود. یکی از بخش های مهم تقوا، تقوای مالی است که ما نیازمندیم در رمضان این درس تقوا را نیز بیاموزیم، و اگر در این درس ناکام شدیم عاقبت خطرناکی در انتظار ماست، چراکه در روز محشر از جمله ای نخستین سؤالات، دو سؤال در مورد مال است که این مال را از کجا به دست آوردی و به کجا مصرف کردی؟ جالب این جاست که از امور دیگر مثل جوانی و عمر یک سؤال صودت می گیرد، اما وقتی نوبت به مال می رسد دو سؤال پرسیده می شود؛ کسی در آن حالت وحشتناک می تواند درست پاسخ دهد که در دنیا تقوای مالی داشته باشد. لذا بر همه ما به خصوص ثروتمندان لازم است تا همیشه و به ویژه در رمضان دقیق بسنجیم که از کجا مال کمائی می کنیم، آیا در مال ما کدام شائبه ای از سود و ربا وجود ندارد؟ آیا در وقت کسب مال کسی را فریب ندادیم؟ آیا در وقت خرید و فروش دروغ نگفتیم؟ آیا جنس بدل را اصلی معرفی نکردیم؟ آیا عیب مال خویش را واضح گفتیم؟ و امثال این سؤال ها که جواب ها را هر یک از خود ما اگر دقت کنیم میدانیم.

بعد از اینکه در امتحان و ارزیابی به دست آوردن ثروت کامیاب شدیم، بنگریم که این اموال را در کدام راه ها مصرف می کنیم. مواظب باشیم که اگر اموال را در راه حرام خرج نماییم، علاوه بر مصرف بیهوده مال، برای خویش گناه خریدیم. مصرف کردن مال برای خرید فلیم های مبتذل، مجله های گمراه کننده، مراسم عروسی غیر اسلامی، جشن ها و محافل دیگر غیر اسلامی و وارداتی همه و همه بی تقوایی مالی است و سرانجام شومی در انتظار اینگونه ثروتمندی می باشد.

پنجم- تقوای کاری و وظیفه‌وی: تقوای کار و وظیفه اینست که انسان آنچه در توان دارد، در اجرای وظیفه تلاش نماید، بکوشد وظیفه اش به بهترین و زیباترین صورت ادا گردد، لذا اگر شخص در اجرای وظیفه کوتاهی کرد یا اهمیت به ادای وظیفه قایل نبود، در واقع به بی تقوایی کاری دچار شده است. در مورد اجرای درست کار، رسول خدا می فرماید: خداوند دوست دارد وقتی انسان کاری را انجام می‌دهد آن را به نیکوترین وجه انجام دهد. طبرانی / وقتی صحبت از تقوای کار و وظیفه است، موضوع خیلی گسترده می باشد چراکه کارها متنوع اند؛ از جمله می‌توان کارهای ذیل را نام برد: خیاطی، نجاری، آهنگری، بذرگری، مزدوری، دکانداری، راننده‌گی، داکتری، معلمی، کارمندی ادارات دولتی و...

هریک از این وظایف نیازمند رعایت تقوای کاری است، لذا بر همه ماست که متوجه چگونگی اجرای کارهای مان باشیم، بخصوص در رمضان که می‌شود خوب کارکردن را تجربه کرد. نشود خدای نخواستہ به بهانه اینکه روزه داریم و گرسنه و تشنه شدیم، در اجرای کارها اهمال ورزیم؛ که درین صورت خداوند از ما ناراضی شده و عاقبت و خیمی در انتظار ما خواهد بود.

ششم - تقوای فکری: تقوای فکری نیز از ضروریات حیات اسلامی است، چراکه اگر فکر انسان بی تقوا شد و افکار خرافی، مادی گری، دین گریزی، و... وارد ذهن مسلمان شد، این افکار پوچ و بی معنی در عمل انسان اثر گذاشته، آهسته آهسته انسان را به هلاکت ابدی دچار می کند. عده‌ی بوده اند که بانحراف فکری از همه چیز منحرف شدند، شروع کردند به اینکه به اسلام ایراد بگیرند و از همه مسلمین روی برتافتند؛ لذا این بی تقوایی فکری خیلی خطرناک است، باید مواظب افکار وارداتی غربی بود تا جوانان ما دچار بی تقوایی فکری نگردند.

در خاتمه از خداوند می‌خواهیم درین آموزشگاه رمضان توفیق مان دهد تا همه درس های رمضان را درست بیاموزیم و در زندگی خویش تطبیق کنیم و به ویژه درس مهم و اساسی تقوا را باهمه گونه هایش به منصفه اجرا در بیاوریم.



## دعا و آداب آن

امام ترمذی از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت کرده که پیامبر (صلی الله علیه و سلم) می‌فرماید: کسی که از خدا نخواهد و طلب نکند خداوند بر او خشم و غضب می‌گیرد و در آیه ۷۷ سوره ی فرقان راه جلب عنایت و توجه خداوند دعا قرار داده شده است؛ ای پیامبر بگو خداوند بر شما توجهی نمی‌کند اگر دعا و طلب‌هایتان نبود.

همانا دعا سودمندترین دواهاست و دشمن بلا بوده و آن را دفع و معالجه نموده است. از نزول بلا جلوگیری نموده و آن را برطرف می‌کند و اگر نازل شده باشد از تاثیر آن می‌کاهد. و دعا سلاح مؤمن است.

البته دعا دارای آدابی است؛ از جمله اینکه :

- دعا را با نام و ذکر خدا شروع کند.
- فرد عجله نکند و نگوید دعا کردم و استجابت نشد.
- همچنین نهایت نیاز و فقر را آشکار کند و با خشوع خداوند را با اسماء حسنایش بخواند.
- در دعا بسیار التماس کند و دعای خود را تکرار نماید .
- اوقات مناسب و مبارک را برای دعت کردن برگزیند ( مانند : یک سوم آخر شب، هنگام اذان، بین اذان و اقامه، بعد از نمازهای واجب، هنگامی که امام نماز جمعه روی منبر می‌رود تا وقتی که نماز آن روز را ادا می‌کند و ساعت آخر بعد از نماز عصر.)
- اینکه شخص دعا کننده رو به قبله کند و دست‌های خود را طوری بلند کند که سفیدی زیر آن‌ها دیده شود.
- با صدای بلند دعا نکند، بلکه آهسته (به طوری که فقط خودش بشنود) دعا کند.
- در حین دعا کردن هیچ گونه تکلفی به خرج ندهد و چیزهای نشدنی و خارج از اعتدال، درخواست ننماید، بلکه باید با حالت تضرع و فروتنی آنچه را که دعاهای مأثور آن را اقتضا می‌کنند، از خداوند طلب کند.

نگو: من نمی‌دانم چگونه دعا کنم، به هر روشی که می‌خواهی دعا کن، یا احساسی که در درونت است، یکی از یاران نزد رسول الله \_ صلی الله علیه و سلم\_ آمد و گفت: من نمی‌دانم که چه سان همانند تو و معاذ زمزمه کنم. رسول الله \_ صلی الله علیه و سلم\_ از او پرسیدند: چه می‌گویی؟ گفت: می‌گویم: خدایا مرا به بهشت در آور و مرا از آتش رهایی ده، رسول الله \_ صلی الله علیه و سلم\_ فرمودند: « در همین باره من و معاذ زمزمه می‌کنیم » ابوداود، ۷۹۲ و احمد، ۵/۷۳

دعا و اعاده نمودن مانند سلاح است، قدرت سلاح نیز به [قدرت شخص] ضارب بستگی دارد نه فقط به تیزی آن.

پس تا زمانی که سلاح کامل بوده و مشکل نداشته باشد و در دستان قوی قرار گرفته و مانعی در برابرش نباشد بیشترین ضربه را بر پیکر دشمن وارد خواهد کرد. و هرگاه یکی از این شرایط نباشد از تاثیر آن کاسته خواهد شد.

## چگونه ماه رمضان را به دوازده ماه تبدیل نماییم نه تنها یک ماه؟

نویسنده: راغب السرجانی / ترجمه: خالد ایوبی نیا

تغییر حالت از حماسه شدید به طرف سستی و تنبلی، از تلاش و کوشش به سوی عبادت حاشیه‌ای ... این حال بسیاری از مسلمانان بعد از ماه رمضان است، آنجا که در این ماه مبارک بر عبادت و بندگی از جمله نماز، تلاوت قرآن، صدقات و صله‌ی رحم می‌افزایند... اما بعد از ماه رمضان همه امور به حالت قبل از رمضان بر می‌گردد، نماز را در حالت سستی و بی‌حالی می‌خوانند، از قرآن بیگانه می‌شوند، بخل می‌ورزند، صله‌ی رحم قطع می‌گردد، و ماه رمضان با آن نسیم‌ها و نفع‌های حیات بخشش جز نامی از آن باقی نمی‌ماند .

چگونه ماه رمضان را به دوازده ماه تبدیل نماییم نه تنها یک ماه؟ و چگونه در دیگر ماه‌ها نیز عبادت و بندگی را به عبادت و بندگی در سطح آن برسانیم؟

۱ - نماز: چنان بخوانیم که خداوند به آن فرمان داده و از ما خواسته است. مردها نمازهایشان را در مسجدها می‌خوانند و زنان آن را در اول وقت بر پای می‌دارند هر چند وظایف دیگری داشته باشند، همراه با انجام نمازهای سنت. در ماه رمضان بر اثر نرم شدن دل مؤمن، انجام عبادت‌ها آسان می‌گردد. پس باید رمضان را فرصتی برای تمرین نفس و عادت دادن آن به خواندن سنتهای قبل و بعد از نمازهای واجب، صلاة الضحی [چاشت]، نماز حاجت و نماز استخاره، دانست. اما نماز تراویحی که ما می‌توانیم هر شبانه هشت رکعت بخوانیم باید آن را شروعی برای قیام اللیل در طول سال دانست .

۲ - خشوع در نماز: عادت دادن نفس بر رعایت خشوع در نماز و فهم معانی آن تا این‌که از نماز خواندن لذت ببریم، و در انتظار آن بنشینیم، و کسی که در ماه رمضان نتواند این معانی را به دست آورد در غیر رمضان هرگز نخواهد توانست .

۳ - قرآن: حریص بودن بر ختم تلاوت قرآن با تمام توانی که دارد، امام ابوحنیفه ۶۰ بار در ماه رمضان قرآن را ختم می‌کرد، و با این‌که واجب است قرآن را با تدبیر تلاوت نمود، پس ممکن است در رمضان آن

را به خاطر حسنات تلاوت نمود، هر حسنه‌ای ده برابر نوشته می‌شود و هر حرفی حسنه‌ای دارد، پس تو در رمضان در مسابقه با زمان قرار داری .

۴- قیام: قیام اللیل عبادتی است که در ماه رمضان باید بر انجام آن حریص بود، باید با خداوند سپس با نفس خود عهد و پیمان ببندیم که بعد از ماه رمضان نیز بر آن مداومت داشته باشیم .

۵- انفاق: نفس انسان بر محبت مال سرشته شده است، پس هر گاه آن را در راه خداوند انفاق نمودی، این بدان معناست که محبت خداوند در دل تو بیشتر از محبت مال است، و صدقه را در ماه رمضان روزانه بگردانیم، اندک یا بسیار باشد، تا این که بعد از ماه رمضان نیز به انفاق در راه خدا عادت کنیم .

۶- صله‌ی رحم: صله‌ی رحم از جمله امور مهم در ماه مبارک رمضان می‌باشد؛ به خواهران می‌گوییم: میهمانداری را به بهانه فراغت برای عبادت و بندگی ترک نکن، و بلکه در انجام میهمانداری تکلف ننما و از امور خلاف شرع از قبیل اسراف در غذا، تفاخر و مباهات پرهیز کن، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ما را بر افطار دادن به روزه‌داران هر چند با خرمایی بوده باشد تشویق نموده است، گرد آمدن بر یک سفره گاهی از عبادت چهل روز بهتر می‌باشد چنان که سیدنا علی بن ابی‌طالب می‌فرماید؛ زیرا دل را نرم می‌کند، و گشادگی و شادمانی را در بین مردم بیشتر می‌نماید، اگر ممکن می‌بود کسانی را که بین ما و آنان مشکلات و عداوتی وجود دارد جهت اصلاح ذات‌البین به خانه‌هایمان دعوت کنیم، خداوند در هر روز دوشنبه و پنجشنبه گناهان همه کس را می‌بخشاید جز کسانی که در بینشان دشمنی و عداوت وجود داشته باشد آنان را به حال خود رها می‌کند تا زمانی که صلح نمایند، پس باید اختلافاتی که با هم داریم دور نماییم و به خاطر خدا با کسانی که صله‌ی رحم را با ما قطع کرده‌اند ارتباط برقرار نماییم .

۷- زبان‌ت را کنترل کن: زبان‌ت را بر گفتار حق، امر به معروف و نهی از منکر، دوری از غیبت و محرمات، جلوگیری از بلند کردن صدا بر سر همسر و فرزند و همسایه‌ها عادت ده، «إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ

الْحَمِيرِ: زشت‌ترین صداها، صدای خران است [زشتی آن بیشتر از نظر بلندی است]. [لقمان: ۱۹]. و تلاش کن زبانت مرطوب به ذکر خدا باشد .

۸- از تماشا کردن تلویزیون بر حذر باش: تماشای تلویزیون [ی که برنامه‌های خلاف ادب و عفت پخش می‌کند] حسنات را از بین می‌برد چنان‌که آتش هیزم را می‌سوزاند و از بین می‌برد، ماه رمضان بسیار با ارزش است و وقتی برای ضایع کردن نداریم، چنان‌که بیشتر شبکه‌های تلویزیونی غیر اسلامی پر از برنامه‌هایی است که زنان عریان و بی‌بند و بار در آن نمایان می‌شوند و ما نیازی به آن نداریم .

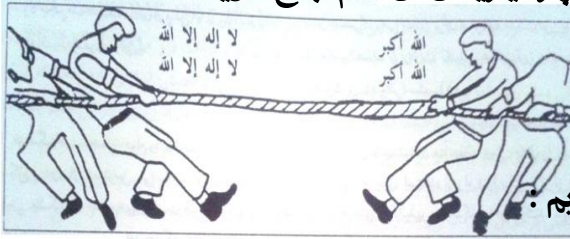
۹- اهتمام ورزیدن به دعوت الی الله: این بدان خاطر است که دل‌ها در رمضان آمادگی هدایت و دوری از گناهان را دارند .

۱۰- اعتکاف: زن می‌تواند در خانه‌اش مشغول عبادت و بندگی شود و مردان در مسجدها، این سنتی است که از پیامبر -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- به ما رسیده، و با این برنامه در دهه آخر رمضان از غذا بکاهیم تا این که زن نیز بیشتر وقتش را در آشپزخانه نگذراند، و هرکس با نیت صادقانه تلاش کند خداوند شب قدر را نصیب او خواهد نمود، این شب هدیه‌ای از جانب خداوند عز و جل برای انسان‌های متقی و پرهیزکار است .

۱۱- توبه به سوی خدا: شستشو دادن نفس از گناهان و چرک آن در خلال ماه رمضان و عزم راسخ و اراده آهنین برای رجوع به گناه، و پشیمانی بر ما فات، و برگشت دادن مظالم به صاحبانش .

۱۲- جدول حسنات: ممکن است این نصیحت‌ها از طریق جدولی روزانه به یک برنامه عملی تبدیل گردد که روزه دار هر روز به مقدار توان و التزام به عبادت‌ها در آن، خانه‌هایی را که به اعمال انجام نشده مربوط می‌شود، با رنگی تیره یا سیاه پر کند، پس در صورتی که در انتهای رمضان رنگ سیاه کمتر باشد، این مؤذنه‌ای برای سفیدی و نورانی بودن کتاب اعمال او در روز قیامت خواهد بود. از خدا می‌خواهیم که هیچ مسلمانی در جدولش مساحت‌های سیاه را بیشتر نبیند. ان شاء الله .

## ای مسلمانان از تفرقه پرهیزید و دور هم جمع شوید.



## امام شهید حسن البنا

### دور هم جمع شویم و متفرق نگردیم:

آگاه باش -خدا تو را توفیق دهد- که دعوت ما پیش از هر چیز دعوتی است شامل و عمومی و منسوب به طایفه خاصی و طرفدار رای مخصوصی نیست که مردم آن را با رنگ و مقتضیات یا مستلزمات و توابع خاصی بشناسند بلکه دعوتی است که توجه آن به اصل و روح دین است و می خواهد تمام تفکرات و نظریات و همتها را جمع آوری کند تا دعوت دینی شیوه مفید و نافعتر به خود گرفته و باثمره و پیشرفت بیشتری پیش رود. دعوت ما دعوتی است درخشنده خالص و به هیچ رنگ دیگری ملون نیست و هر جا حق یافت شود همراه آن است و اجماع را دوست دارد و منکر تک تازی است زیرا بزرگترین و بارزترین چیزی که باعث مرگ مسلمین شده است همان تفرق و اختلافات مذموم است و اساس پیروزی مسلمین محبت و وحدت می باشد و آخر این امت هم جز به برنامه اساسی که باعث اصلاح اولش شد اصلاح نمی گردد.

این یک عاقده اساسی و هدف معلوم برای هر برادر مسلمان است و عقیده راسخی است که از آن بر می داریم و با آن بر می خیزیم و به سوی آن دعوت می کنیم.

## اختلافات حتمی است :

علی رغم این همه گفته ها اختلافات در فروع دین چیز حتمی و ضروری ست و به علت های متعدد اتحاد بر این فروع و جزئیات و آرای مذاهب غیر ممکن است مانند اختلاف در قوت

و ضعف استنباط ، درك دليل و عدم درك آن، فرورفتن در عمق معانی و مرتبط کردن حقایق متعدد نسبت به یکدیگر . مبانی دین عبارت است از آیات و احادیث و مفادی که عقل و نظر در چهارچوب لغت و قواعد زبان عربی آن را تفسیر می کنند و بدیهی است مردم در به کارگیری عقل و نظر به شدت متفاوتند پس اختلاف حتماً به وجود می آید . وسعت و تنگی نظری عالم و این که به عالمی خبری رسیده که به دیگری نرسیده و ..... همگی از علل به وجود آمدن اختلاف هستند .

می بینیم وقتی که ابوجعفر می خواست نظریات و آرای امام مالک را مبنای قانون حکومت اسلامی گرداند و مردم را وادار به قبول آن کند ، امام مالک به شدت این کار را منع کرد و فرمود : این کار را مکن!

یاران پیامبر در تمام ممالک اسلامی منتشر شده و اسلام را به تمام امصار و اقطار حمل کرده اند بنابراین هر قومی دارای علمی است که از آنها به جایی مانده است و اگر بخواهید همه آنها را در یک قالب بریزید غیر ممکن است و موجب بوجود آمدن فتنه می شود . اختلاف محیط هم از علتهای بوجود آمدن اختلاف است حتی تطبیق قانون و شریعت اسلام از محیطی نسبت به محیط دیگر متفاوت است چنانکه خود امام شافعی رحمه الله را می بینیم که دارای قول جدید و قدیم است ، در عراق دارای فتوهای قدیم و در مصر دارای فتوهای جدید است در صورتی که در هر محیط مصدر و مبنای فتوای وی یکی بوده و در هر دو مکان وی در جستجوی حق بوده است . یکی دیگر از علل اختلاف عبارت است از اطمینان و عدم آن نسبت به روایتی که مجتهد به آن رسیده است چنانکه یکی از ائمه فلان راوی را ، ثقه و مورد اطمینان می داند و به روایت آن مطمئن است و از آن استفاده می کند در

صورتی که امام یا مجتهد دیگر بنابر آگاهی دربارہ این راوی وی را ضعیف و مورد جرح می داند .

همچنین اندازه گیری قوت و ترتیب دلایل باعث بوجود آمدن اختلاف می شود چنانکه عده ای عمل صحابه و تابعین و ..... را بر خبر آحاد مقدم کرده و عده ای دیگر برعکس آن عمل کرده اند .

### اجمال بر مسائل جزئی غیر ممکن است

اسباب مذکور ما را بر این داشته است که اجماع بر مسایل فرعی و جزئی در دین را مطلبی غیر ممکن بدانیم بلکه این گونه خواهش و تمنا با طبیعت و سرشت دین منافات دارد زیرا خداوند می خواهد این دین جاودانه باشد و تا برپایی قیامت باقی بماند و همگام با عصر و زمان سیر کند و پیش رود و در این مسیر ویژگی دین است که سهل گیر و دارای روش سازگار و نرم و سبک باشد و با هر محیطی سازگاری داشته باشد و واقعی بوده و حلال مشکلات هر عصر و زمانه باشد (بنابراین مسایل جزئی و فرعی از مکانی به مکانی دیگر و از زمانی به زمان دیگر فرق می کنند و اجماع بر آنها غیر ممکن است).

### عذر مخالفین خود را بپذیریم

این بود عقیده و فکر ما ، پس کسانی که در جزئیات با ما مخالفند عذرشان را می پذیریم و من معتقدم این نوع اختلاف (در صورت وجود ادب اختلاف) مانع ارتباط دلها و تبادل محبت و همکاری در امور خیر نمی شود و مانع آن نیست که معانی وسیع و شامل اسلام با حدود پربرکتش تمام ما را دربرگیرد .

آیا ما همگی مسلمان نیستیم ؟ آیا همگی دوست نداریم بر حکم قابل اطمینانی جمع شویم ؟ آیا اسلام از ما نمی خواهد آنچه را برای خود دوست می داریم باید برای برادر دینی هم دوست داشته باشیم ؟

پس اختلاف مذموم و تفرق چرا؟

چرا آرای یکدیگر را مورد نظر و تامل قرار ندهیم و چرا در فضای آکنده از محبت و صفا یکدیگر را بسوی تفاهم نخوانیم؟ و هر نکته ای که قابل تفاهم است چرا در آن نکته به دور هم جمع نشویم؟

یاران پیامبر را بنگریم که فتوهای آنان با یکدیگر اختلاف پیدا می کرد اما آیا این اختلاف هیچ گونه تفرقی در دل آنها ایجاد کرد؟ یا رابطه آنها را از هم گسیخت؟ در این مورد داستان نماز عصر در بنی قریظه بر اهل معرفت مجهول نیست.

با وجود اینکه صحابه کرام نزدیکترین مردم به دوران پیامبر و آگاه ترین مردم نسبت به قراین احکام دین هستند و باز هم به اختلاف افتاده اند پس چه چیزی باعث شده است ما بر سر اختلافات جزئی و بی ارزش یکدیگر را قربانی کنیم؟ مادامی که ائمه که آگاه ترین مردم به کتاب خدا و سنت پیامبر هستند در مسائل زیادی با هم اختلاف داشته و با هم مناظره کرده اند پس آن وسعتی که برای آنها موجود بوده، ما چرا آن را بر خود تنگ و محدود کنیم، وقتی مشهورترین و واضحترین مسایل فرعی مثل اذان که کیفیت و دستور آن به صورت نص از پیامبر نقل شده است و روزی پنج بار بر منابر خوانده می شود و در آن اختلاف وجود دارد پس در مسائلی که مرجع آن نص نبوده بلکه رای و استنباط است چطور باید انتظار معصوم بودن و عدم تنوع و اختلاف داشت؟ امر دیگری که لازم است به توجه شود و مورد تدبر قرار گیرد این است:

در قدیم وقتی که مردم به اختلاف می افتادند اختلاف خود را به خلیفه یا نمایندگان او عرضه می کردند و آنان نیز در آن قضاوت می کردند و اختلافات آنها را از بین می بردند. اما امروز خلیفه کجاست، پس باید مسلمین دنبال قاضی بگردند و قضایای خود را بر او عرضه کنند زیرا اختلاف بی مرجع خود به اختلاف دیگری می انجامد. مسلمانان متعهد تمام این موارد را می دانند بنابراین وسعت سینه و دل‌هایشان در مقابل مخالفین از هر کس



زیادتر و محکمتر است و چنان فکر می کنند، پیش همه کس علم وجود دارد، و هر دعوتی هم دارای حق و هم دارای باطل است، آنان دنبال حق می گردند و هر جا آنرا یافتند اخذ آن را برتر می دانند و با نرمش و آرامی سعی می کنند نظرات مخالفین را مورد بررسی قرار دهند و آنها را در صورت قانع شدن قانع کنند. و اگر هم قناعت نکردند برادر دینی همدیگر هستند و از خداوند خواستار توفیق هستیم هم برای اینان و هم برای آنان.

این است برنامه و موضع گیری ما در مقابل مخالفین خود که می توان آن را در یک جمله خلاصه کرد:

ما اختلاف را جایز می دانیم اما منکر تعصبات شخصی و تعصب برای آرا و نظرات هستیم و همیشه می کوشیم دنبال حقیقت برویم و مردم را با لطیف ترین و نرمترین شیوه و با محبت و برادری به سوی حقیقت تشویق و دعوت کنیم.

این است روشی که نمایانگر و مجسم کننده میانه روی و وسطیت اسلام است که به آن ایمان آورده ایم و به سوی آن دعوت می کنیم.

## خوش اخلاقی

رسول خدا (ص) می فرماید:

« بهترین اسلام از آن خوش اخلاق ترین مردم است. »

« محبوب ترین بنده نزد خدا، خوش اخلاق ترین آن ها. »

« کامل ترین ایمان از آن خوش اخلاق ترین مؤمن است. »

« در روز قیامت چیزی سنگین تر از خوش اخلاقی در ترازوی اعمال بنده نیست. »

« بیشترین چیزی که مردم را وارد بهشت سازد تقوای خدا و خوش اخلاقی است »

« محبوب ترین شما نسبت به من و نزدیک ترین شما به من در قیامت خوش اخلاق ترین شماست. »

## روش های علمی جهت ایجاد ارتباط میان قلب و قرآن

نویسنده: مجدی الهلالی / مترجم: مجتبی دوروزی

### رها کردن قرآن

منظور از رها کردن قرآن؛ یعنی رها کردن بهر گیری و بهره برداری از آن و وارد نشدن به کارگاه انسان سازیش، این کار اوست که فرد را تغیر دهد\_ هر فردی\_ تا از او مؤمنی عابد بسازد، مؤمنی که در هر کار و حالی خداوند را عبادت می نماید. تاریخ رها کردن قرآن از قرن ها پیش آغاز شده، از زمانی که مسلمین به بعضی از جنبه های علم اهتمام بیش تری داده و آن ها را توسعه دادند علمی چون علم کلام و فقه، برای این علم ها قواعدی وضع کردند، سپس شرحی بر این قواعد نگاشتند سپس حواشی و مختصراتی بر این مطالب افزودند، همه ی این ها به حساب قرآن صورت می گرفت قرآنی که فقط در عزاداری ها و بر بستر بیمار و به هنگام ماه رمضان تلاوت می شد.

شیخ محمد غزالی\_ رحمه الله\_ می گوید:

مسلمانان قرآن را رها کرده و به احادیث دل بستند و گرویدند.

بعد از آن احادیث را ترک نموده، به اقوال پیشوایان رو آوردند.

سپس از گفتار پیشوایان هم بریدند، به سلوک و روش تقلیدی رو کردند.

پیش رفت اسلام به این صورت، واقعا "برای اسلام و مسلمین مصیبت و وبال بود.

ابن عبدالبر از ضحاک بن مزاحم نقل کرده است که: روزگاری می آید، مردم قرآن را در طاقچه ها نهاده و آن را باز نمی کنند تا عنکبوت بر آن لانه می سازد، از محتوا و مندرجات آن استفاده نمی کنند، و اعمال مردم بر مبنای روایات و احادیث صورت می گیرد.

بنابراین تعامل عجیب و غریبی که امروزه با قرآن انجام می‌گیرد نتیجه‌ای میراثی است که ما از قرن‌های گذشته به ارث برده‌ایم، مسلمانان به تدریج از (مسیر) قرآن منحرف گشته‌اند تا به وضعیت امروز رسیده‌اند. هنگامی که گروهی از ما، علت ناتوانی ما در بهره‌گیری از قرآن می‌پرسند\_ در حالی که صحابه بهره‌ها از آن بردند\_ ناگزیر باید پاسخ را از تشخیص حال ما با قرآن آغاز کرد.

ما از سرچشمه‌ی عزت و شوکت‌مان چشم پوشیده‌ایم. دشمنانمان نسبت به ایمن موضوع اطمینان دارند، تمسخرشان نسبت به ما به جایی رسیده است که بعضی از رادیو تلویزیون‌هایشان برنامه‌ها را با تلاوت قرآن آغاز می‌کنند؛ زیرا می‌دانند که ما قرآن را مورد بی‌مهری قرار داده‌ایم. هنگامی که پرتوهای نور و جلوه‌های آرزو در این تاریکی قیرگون، در پیدایش بیداری اسلامی نمود یافت، این نسل جوان وعده داده به قرآن، در زمینه‌ی فهم و عمل به قرآن حقیقت را ادا نمود و با قرآن هم چون مصدر هدایت و ارشاد برخورد نمود، بلکه قرآن را رها کرده و به جست و جوی دیگری پرداخت، در نتیجه در زمینه مصدرها دچار اختلاف شده و راه و روش‌ها گوناگون شد و آن چه نمی‌بایست روی دهد، روی داد و در خصوص مسایل مختلف و امور اساسی دچار اختلاف بینش شد و برگر یک نفر جمع نگشت... و چون ما بد رفتاری کردیم خداوند نیز به وعده‌ی خود وفا نکرد و سنت یاری و پیروزی را در ما محقق نکردند. سنتی که به وعده‌ی خود در یاری و پیروزی ایشان وفا نموده بود.

### باید بسوی قرآن بازگردیم

سخن ما در مورد روش‌های یاری رسان جهت ایجاد ارتباط میان قلب و قرآن به صورت عملی می‌باشد، این روش‌ها با اندکی تفصیل در کتاب‌های "بناء الایمان من خلال القرآن" و "حقیقه العبودیه" و دیگر کتاب‌ها به طور کامل بیان شده است و برای تکمیل فایده به طور اختصار در اینجا از آن‌ها یاد می‌کنیم:

۱- **التماس نمودن به درگاه الهی** که قلب‌های مان را به روی انوار کتابش بگشاید و ما را اکرام نموده و در اندیشیدن و تأثیر پذیرفتن (از قرآن) یاری نماید؛ بیشتر در مورد اهمیت التماس به درگاه الهی در محور دوم سخن گفته شد و بدین خاطر دوباره در اینجا یاد کردیم که انجام این کار پیش از شروع به

تلاوت قرآن کاری ضروری است و این به خاطر اهمیت و فایده ی بزرگی است که در برانگیختن احساس تمایل به بهره گیری از قرآن و آماده کردن قلب برای روی آوردن به آن دارد.

#### ۴- تلاوت زیاد قرآن و افزایش زمان های بودن با آن و قطع نکردن تلاوت تا حد امکان به

هیچ دلیلی، تا از فضای قرآن و قدرت پناه دهیش خارج نشویم، به خصوص در ابتدا، بهتر آن است که در حد توان دیدار با قرآن در مکانی آرام و به دور از همههمه و غوغا صورت گیرد تا فرد در خصوص تمرکز و عدم حواس پرتی یاری کند، هم چنین وضو گرفتن و مسواک زدن پیش از تلاوت را فراموش نکنیم که از ابزار های یاری رسان هستند.

#### ۳- تلاوت از روی قرآن و به گونه ای که شنیده شود و به روش ترتیل: ترتیل نقش

بزرگی در تأثیر گذاری بر احساسات و بر انگیختن آن ها و هماهنگی شان با فهم دارد فهمی که از اندیشیدن پدید می آید و بعد از این هاست که ایمان پدید می آید ( یعنی ) هنگامی که فهم و تأثیر پذیری هم آغوش می شوند.

و اینجاست که اهمیت فراگیری احکام تلاوت آشکار می گردد تا بدین ترتیب فایده ترتیل متحقق گردد. لذا هر کدام از ما باید در سریعترین زمان ممکن احکام تلاوت و قرائت صحیح آیات را یاد بگیریم تا زمینه بهره گیری از قرآن برای مان آسان و میسر شود.

#### ۴- تلاوت آرام و اندوهگین: هنگامی که به شیوه ی ترتیل قرآن را می خوانیم باید بر روی مخارج

حروف، و ادا دقیق غنه ها و مدها دقت لازم را بنماییم تا همزیستی آیات و اندیشیدن در آن ها و تأثیر پذیرفتن از آن ها برای ما میسر گردد، و هم چنین بر ما واجب است که قرآن را با صدایی اندوهگین بخوانیم تا تأثیر پذیری حاصل شود.

#### ۵- فهم مختصر آیات در پرتو به کارگیری عقل برای فهم پیام، و این نیازمند تمرکز کامل ما

به هنگام تلاوت قرآن است. به کارگیری عقل برای فهم پیام به این معنی نیست که در کنار هر کلمه ای معطل شویم و خود را مجبور به شناخت ( تک تک ) معانی و راز های آن نماییم، بلکه معنای اجمالی را که بدان اشاره شده دارد کافی است تا بدین ترتیب روانی قرائت نیز ممکن و میسر گردد و بدنبال آن

حرکت احساسات به صورت تدریجی رو به فزونی نهاده تا در سریعترین زمان ممکن به تأثیر پذیری و انفعال برسد.

**۶- تلاش برای تعامل با قرآن به گونه ای که گویی بر تو نازل می شود** که تو مخاطب پیامی، هم چنین تلاش برای تعامل با این پیام در پرتو پاسخ گویی به درخواست های آیات (مانند پناه بردن به خدا به هنگام تلاوت آیات عذاب و...)، و آمین گفتن به هنگام موقعیت های دعا، و مواردی از این قبیل.

**۷- تکرار آیه یا آیاتی که قلب با آن ها هماهنگ شده** و ایمانی که در این لحظات در آن پدید آمده فراهم گردد، و ادامه دادن به تکرار این آیات تا زمانی که تأثیر پذیری و انفعال قلب متوقف می شود و هم چنان که گفته شده: آیه هم چون خرما است هرگاه که خرما جویده شود و شیرینی اش بیرون می آید.

اشکالی ندارد که تفسیری مختصر در کنار ما باشد تا شبهه ای را بر طرف نموده یا معنی که بر ما پوشیده گشته را به ما بفهماند، و بهتر آن است که در پایان تلاوت چنین کاری صورت گیرد تا از فضای قرآن و هیجانات روحی روانی که در بستر آن به سر می بریم خارج نشویم مگر این که کلمه ای ما را به این ملزم کند و بخواهیم که در همان حال معنایش را متوجه شویم.

خواننده ی گرامی اگر در به کار گیری این روش ها و ابزارها استمرار و پشتکار داشته باشیم و همزمان هر سه محور را به کار گیریم باید به همگان این مژده را بدهیم که اشعه های خورشید قرآن بر قلب های ما تابیدن گرفته و با آن زندگی جدیدی را آغاز می کند زندگی که پوشیده از آرامش و اطمینان خاطر است، و روح جدیدی که فعال بوده و آرزومند انجام کار نیک است و مهمتر از همه ی این ها پوشیدن جامه ی بندگی، و خشنودی به پروردگارالله و بسنده کردن بدو، و بی نیازی از مردم است.

خواننده ی محبوب همه ی این ها از نتایج عظیمی است که همگان انتظارش را می کشیم به شرط آن که ما نیز به خوبی پذیرای قرآن گشته و بر این کار مداومت داشته باشیم. هرگاه که ما حق قرآن را ادا نماییم او نیز گنجینه های خیر و برکتش که پایانی ندارد به ما ارزانی می دارد، اگر دریا مرکب شود و درختان قلم

شوند تا معانی هدایتگر قرآن را بنویسند دریا پایان می پذیرد پیش از آن که اسرار و معانی این قرآن پایان پذیرد.

خواننده ی گرامی بدان که اگر ما به خوبی رو سوی قرآن آوریم و هر چه بیش تر شبانه روز آن را تلاوت کنیم و به یاری خدا لذت مناجات را خواهیم دید، و بیش تر از هر چیز دیگری به کلام خداوند انس می بندیم و از جایی که تصورش را نمی کنیم پیروزی ها به ما روی می آورند.

### میانه روی . وسطیت

امام ابن قیم (رح) میانه روی را یکی از پایه های چهارگانه ی اخلاق نیکو می داند: صبر، پاک دامنی، دلاوری و میانه روی. ایشان میانه روی را با واژه ی عدالت تعبیر می کند و می گوید: عدالت باعث می شود انسان اخلاقش را متوازن کند و در بین دو سوی افراط و تفریط قرار گیرد؛ صفت بخشش و سخاوت را به همراه می آورد که میان ذلت و گستاخی قرار دارد، نیز صفت دلاوری را به همراه می آورد که بین ترس و بی باکی جای می گیرد و صفت بردباری را که بین خشم و حقارت قرار می گیرد. میانه روی از این نوع از جایگاه ارزشمندی برخوردار است زیرا هر صفت پسندیده در میان دو صفت ناپسند قرار دارد؛ یعنی دو سوی آن را صفات ناپسند فراگرفته است؛ مانند بخشش که در یک طرف آن خساست و در طرف دیگر آن زیاده روی قرار دارد و فروتنی که در دو طرف آن خواری و کبر قرار دارد. هرگاه نفس آدمی از راه میانه به در رود ناگزیر به سوی یکی از این دو صفت تمایل پیدا می کند. اگر از صفت فروتنی منحرف شود یا به سوی کبر می رود یا به سمت ذلت و خواری. اگر از صفت حیا منحرف شود یا به سوی گستاخی می رود یا به سوی ضعف و خواری. اگر از راه صبر و بردباری منحرف شود یا ره به بی تابی می برد یا به سخت گیری و اگر از صفت بردباری منحرف شود یا به سمت بی خردی می رود یا به سمت ناتوانی.

چنانچه از صفت نرمش منحرف شود یا به خشونت دست می زند یا به ذلت؛ اگر از عزتی که خداوند به مؤمنان داده است منحرف شود یا به سوی کبر می رود یا به سوی خواری. اگر از راه قناعت منحرف شود یا به حرص و طمع ره می برد یا به خساست و چنانچه از صفت رحمت منحرف شود یا به سوی سنگدلی می رود یا ضعف قلبی. ایشان سپس می گوید: صاحب اخلاق متعادل فردی باشکوه و دوست داشتنی است؛ در جایگاه خود مستحکم است و همگان دوست دار صحبت او هستند.

## آسان‌گیری در فتوا، نوید بخشی در دعوت و سخت‌گیری در اصول

نویسنده: د. یوسف قرضاوی / مترجم: عبدالصمد مرتضوی

امروزه علما و دعوت‌گران دینی موظفند به تبعیت از حضرت محمد(ص) در فتاوی خویش بر مردم آسان بگیرند و مردم را به نعمت‌های خداوندی بشارت دهند. انس روایت می‌کند که رسول خدا(ص) فرمود:

«بر مردم آسان بگیرید و سخت‌گیری نکنید و به آنان نوید دهید و آن‌ها را از دین متنفر نکنید.»

هنگامی که رسول اکرم(ص) معاذبن جبل و ابوموسی اشعری را به یمن فرستاد نیز به آنان به‌طور مختصر و مفید سفارش نمود که:

«بر مردم آسان بگیرید و سخت‌گیری نکنید و به آنان نوید دهید و آن‌ها را از دین متنفر نکنید.»

### در فتاوی فقهی فتوای آسان را بر سخت ترجیح دهیم.

با عنایت به احادیث فوق‌پی می‌بریم که در دین اسلام اصل بر آن گذاشته شده که فقیه یا مجتهد در تمامی فتاوی خویش چه مبوب به شخص می‌شده باشد و چه مربوط به جامعه، بایستی آسان‌گیری اختیار کند و از هرگونه سخت‌گیری اجتناب کند. بدین ترتیب اگر قرار است مجتهدی در مورد خورد و نوش یا پوشاک و کار فردی یا مسایل خانوادگی چون طلاق، ازدواج و... یا مسایل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بین‌المللی و حقوقی فتوا بدهد پیش از هر چیز الزاما باید از سخت‌گیری در فتوا خودداری کند.

البته این که هر فقیه یا مجتهدی بایستی بر مردم آسان بگیرد دلایلی دارد که عبارتند از:

تسامح شریعت اسلام بر آسان‌گیری و رفع حرج از مردم و همچنین مهربانی و تسامح نسبت به آنان وضع گردیده است. خداوند متعال می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» بقره/۱۸۵

«خداوند آسایش شما را می‌خواهد و خواهان زحمت شما نیست»

«مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» مائده/۶

«خداوند نمی خواهد شما را به تنگ آورد و به مشقت اندازد» در ادامه بحث نکاح و محرمات می فرماید:

«يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» نساء/۲۸

«خداوند می خواهد (با وضع احکام سهل و ساده) کار را بر شما آسان کند (چرا که او می داند که انسان در برابر غرائز و امیال خود ناتوان است) و انسان ضعیف آفریده شده است (و در امر گرایش به زنان تاب مقاومت ندارد).»

احادیثی داریم که به وضوح دلالت بر آن دارد که همواره رسول اکرم(ص) بر مردم آسان می گرفته است. در حدیثی دیگر نیز آن حضرت بر این نکته تأیید نموده و فرموده است: «با دین پاک و آسان مبعوث شدم.»

در یکی از شب های سرد زمستان عمرو بن عاص احتلام گردید اما در عین حال که آب وجود داشت غسل نکرد و بدون غسل نماز خواند. گروهی که شاهد این رفتار بودند نزد رسول خدا(ص) شکایت کردند. عمرو بن عاص در توجیه کار خویش گفت: ای رسول خدا(ص) من برای این کارم به آیه ای از قرآن استناد کردم که می فرماید:

وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا / نساء/۲۹

و خودکشی نکنید و خون همدیگر را نریزید. بیگمان خداوند (پیوسته) نسبت به شما مهربان بوده و خواهد بود.

رسول اکرم(ص) تبسم فرمود و مسلماً این تبسم تأییدی بود بر آن چه عمرو بن عاص انجام داده بود. روزی شخصی مجروح محتمل ش و بر او غسل واجب گردید. به سبب زخم هایی که در بدن او ایجاد شده بود غسل کردن برایش بسیار مضر بود و به همین خاطر وی از گروهی که هم سفر او بودند استفتا اما آن ها فتوا دادند که الزاکما" باید غسل کند و او هم غسل کرد و به همین علت جان به جان آفرین تسلیم کرد. این واقعه را نزد رسول اکرم(ص) نقل کردند اما رسول اکرم(ص) سخت برآشفته و خطاب به کسانی که یقیناً بر او سخت گرفته بودند فرمود: «او را کشتند. خدایشان بکشد! آیا نباید وقتی چیزی را نمی دانند (



از اهل آن) بپرسند؟ همانا علاج نادانی سوال کردن است کافی بود این شخص محل زخم خود را با چیزی (پارچه و ...) می بست و تیمم می کرد.»

این که مردم در عصر ما بیش از هر چیز نیازمند مدارا، آسانگیری و مراعات هستند زیرا همت آنان سست گشته و در کارهای خیر چندان رغبتی نشان نمی دهند. البته این بدان سبب است که در عصر حاضر اگر کسی خواسته باشد کار خیری انجام دهد با موانع فراوانی روبه رو می گردد، در حالی که دروازه های شر و شرارت به روی همگان باز است و تمام امکانات برای انجام بدی فراهم گشته است. در عصر حاضر جوامع اسلامی با سایر جوامع در هم آمیخته و در سطح وسیعی، از افکار و آداب و رسم سایرین متأثر گشته است. در ضمن امکان گوشه گیری و عدم ارتباط با سایرین نیز در این عصر امکان پذیر نیست.

امروزه شایسته تر آن است که علما و دعوتگران دینی بیش از پیش دین را بر مردم آسان بگیرند و همان گونه که رسول اکرم (ص) با تازه مسلمانان و اعراب بادیه نشین مدارا می کرد آن ها نیز با مردمان این عصر مدارا کنند. در عهد رسول اکرم (ص) شخصی اعرابی به نزد رسول اکرم (ص) آمد و سوگند یاد کرد که فرایض الهی را تمام و کمال انجام دهد اما به همان اکتفا کرده و هیچ سنت یا مستحبی را به جا نیاورد. رسول اکرم (ص) فرمود: «اگر راست گفته باشد رستگار خواهد شد. و در روایتی دیگر فرمود: اگر راست گفته باشد وارد بهشت خواهد شد.»

## سختگیری در اصول

علما و دعوتگران دینی مؤظفند در آن چه که مربوط به فروع و اجتهادات و مسائل اختلافی می شود آسانگیری اختیار کنند اما حتی در عصر جهانی شدن سهل انگاری در اصول دینی که تمامی ارکان و مسائل دین بر آن مبتنی گشته مطلوب نیست. تا زمانی که امت اسلامی در اصول دینی خویش ثابت قدم و قاطع باشند از هرگونه خسران در امان خواهند ماند. بنابراین هر چند علما بایستی در فروع بر امت اسلامی آسان بگیرند اما در اصول این گونه نیست و تساهل در آن نامطلوب می باشد. ناگفته نماند ما از این اصول همان عقاید اساسی دینی است که در شمار ستون های اصلی دین به حساب می آید و نه تنها مجال

اجتهاد و تجدید و تحول در ان نیست بلکه هر کس با آن مخالفت برخیزد یا آن را منکر گردد کافر یا فاسق به حساب خواهد آمد.

البته در این میان یک سری عقاید فرعی و غیر اساسی نیز وجود دارد که علمای اسلامی پیرامون آن دچار اختلاف شده اند. مسلماً دلیل این اختلاف آن بوده که مجال اجتهاد در این عقاید بوده است و طبق عقیده اسلامی آنان که در اجتهاد خویش راهصواب رفته باشند دو اجر و آنان که دچار اشتباه شده باشند از یک اجر برخوردار خواهند گردید. به تعبیر یکی از بزرگان سلف گروه اول خدای را بزرگ دانسته و گروه دوم وی را تنزیه نموده است و این که در اسلام حتی مجتهدی که به خطا رفته مستوجب اجری از جانب خداوند می گردد از زیبایی های دین مبین خداوندی است که از فضل بی کران او نشأت گرفته و این پاداشی است برای تلاش و جسارتی که از طرف مجتهد اعمال گردیده است.

ابن تیمیه، ابن قیم و پیوان این بزرگواران معتقدند در قضایای علمی، اصولی و قضایی عملی، که مربوط به فروع می شود به یک میزان مجال اجتهاد است و تفاوتی میان آن ها از این حیث وجود ندارد. بدون شک این بیش و ایده ای صحیح است که تمامی براهین نیز آن را تأیید می کند.

### بشارت دادن راه دعوت

همان گونه که فرهنگ دینی ما اقتضا می کند در زمینه ی فقه و فتوا آسان گیری اختیار کنیم، منهج رسول اکرم (ص) در دعوت نیز ما را بر آن می دارد که در ارشادها و گفتمان خویش مردم را بشارت (به نعمت ها و رحمت الهی) دهیم.

چنان چه به تبعیت از فرموده ی (یسروا ولا تُعسروا) از جانب رسول اکرم (ص) در دین آسان گیری اختیار می کنیم برماست که این سخن آن حضرت را که فرموده است: (وبشروا ولا تنفروا) را نیز در دعوت و تبلیغ سرلوحه ی کار خویش قرار دهیم.

در عصری که ما در آن گذران عمر می کنیم بیش از هر زمان نیاز است که در دل مردم نسبت به دین و آیین خداوندی رغبت و اشتیاق ایجاد کنیم و تلاش کنیم که از هر اقدامی که ممکن است در دیگران ایجاد تنفر کند یا آنان را از دین اسلام روی گردان نماید بپرهیزیم.

«تبشیر» مصدر (بَشِّرْ، بَشِّرٌ) و به معنای «خبر دادن به امری که موجب شادی شخص را فراهم کند، به گونه ای که اثرات شادی در چهره ی وی هویدا گردد می باشد.» بعدها این واژه به عنوان متضاد «انذار» به کار رفت و از این جاست که خداوند در وصف پیامبران خویش می فرماید: «مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ». مبشرین: آنان ایمان آورندگان به خدا و پیروان خویش را به بهشت جاودان در آخرت و زندگی ای پاک و خوشایند در دنیا بشارت می دهند و منذرین: آنان هر آن کس که به خداوند کفر ورزد و از آنان تبعیت نکند را به آتش سوزان در آخرت و هلاکت در دنیا وعید می دهند.

مراد ما از بشارت دادن به دعوت آن است که داعی یا مبلغ دینی به گونه ای مردم را مورد خطاب قرار دهد که عشق و دوستی پروردگار بر دل های آنان نقش بندد و ضمن متمایل ساختن آنان به عبادت و پیروی از دستورات الهی با شفقت و مدارا آن ها را به صراط مستقیم رهنمون گردد.

مفهوم عبارت «لَا تُنْفَرُوا» نیز آن است که به گونه ای دعوت ندهیم که مردم را از دین متفر و بیزار سازیم. برخی از مبلغین دینی مدام از عذاب و خشم خداوندی سخن می گویند و همواره درصدد آنند که با ذکر آیات عذاب، مردم را دچار رعب و وحشت نمایند و آنان را در حالت ترس دائمی از خداوند قرار دهند.

آن ها بدون توجه به آیاتی که در قرآن، انسان ها را به نعمات و رحمت بی کران خداوندی نوید می دهد، تنها به آیات عذاب می پردازند و مسلماً این اقدامشان ممکن است (مردم را از دین بی دین کرده و یا حداقل) در آن ها نسبت به این دین ایجاد تنفر نماید. علامه عینی در شرح «لَا تُنْفَرُوا» می گوید: «مراد آن است که با تازه مسلمانان و کودکانی که تازه به سن بلوغ رسیده اند و یا کسانی که معاصی ایانجام داده و توبه کرده اند با مدارا و ملامت سخن بگوییم و تلاش کنیم (به جای این که آن ها را به طرق مختلف مختلف از عذاب و خشم خداوندی بترسانیم در قلب هایشان رعب و وحشت ایجاد کنیم.) اندک

اندک آن‌ها را به عبادت و فرامین دینی یکی پس از دیگری فرا خوانیم و یک مرتبه و بدون مقدمه تمامی احکام را برای آن‌ها بازگو نکنیم.»

اگر اندکی تدبیر کنیم متوجه خواهیم شد که تمامی امور دینی مرحله به مرحله برای بشریت ابلاغ گردیده و تکالیف و مسؤولیت‌های مختلف دینی به یک باره بر انسان‌ها عرضه نشده است. چنانچه بر کسی که تازه به اسلام گرویده، در عبادات و فرامین دینی آسان گرفته شود برای او دشوار جلوه نموده و با خود رفته رفته بر عبادات خویش خواهد افزود اما اگر بر کسی که تازه ایمان آورده و یا هنوز ایمان نیاورده ولی به اسلام علاقه مند گردیده است سخت گرفته شود (یا مواردی مطرح گردد که در دلش نسبت به دین ایجاد نفرت نماید) امکان دارد از تصمیم خویش منصرف شود و اگر قبل از ایمان آورده فرامین دینی که به او عرضه شده را تحمل نکند و لذت از این دین‌گريزان شود.

در نتیجه شایسته است داعیان دینی به جای ترساندن مردم و ایجاد رعب و وحشت در دل‌هایشان، آنان را به رحمت و نعمات خداوندی نوید دهند و با سخنانی امید بخش آن‌ها را به سوی خداوند فراخوانند.

یکی از رسالت‌های دینی ما در عصر ارتباطات آن است که از هر گونه افراط و مبالغه‌گویی در ترغیب و ترهیب اجتناب کنیم. چنین سخنانی چه پیرامون عذاب باشد و چه در مورد نعمات الهی، تنها عوام پسند است و هر چند امروزه بسیاری از مبلغان به آن روی می‌آورند و ممکن است این گونه گزافه‌گویی‌ها و مبالغه‌گویی‌ها مورد توجه عوام و توده‌ی مردم قرار بگیرد اما هر آینه چنین گفتاری موجبات نفرت رجال و روشنفکران دینی را فراهم خواهد آورد (و این خطرناک است).

شایان ذکر است بسیاری از دعوت‌گران به اقتضای روش تبلیغی خود به اسرائیلیات و احادیث موضوع متوسل می‌شوند اما باید دانست که دیگر در قرن ۱۵ ه.ق. یا قرن ۲۱ م. چنین مصادری پاسخ‌گوی ذهن فعال و کنج‌کاو بشر امروز نیست (و لذا هیچ نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت).

با توجه به موارد فوق پی می‌بریم که این آسان‌گیری و عدم سخت‌گیری است که موجبات خرسندی و عدم نفرت انسان‌ها را فراهم می‌آورد.

## برگرد نماز بخوان، چون تو نماز نخواندی !!!

چه قدر فاصله است میان این صحنه هایی که برای ما پیش می آید و شیوه ی نماز خواندن پیامبر(ص) صحابه (رض) تابعین و صالحین. نماز عبارت از چند حرکت اتوماتیک، بدون حضور دل یا درک مفاهیم قرائت شده نیست. روزی رسول الله (ص) در مسجد نشسته بود که مردی وارد شد و به رسول الله (ص) سلام گفت. رسول الله (ص) جواب سلامش را داد. آن مرد برخاست و نماز خواند، وقتی نمازش را تمام کرد نزد رسول الله (ص) رفت و به او سلام گفت. رسول الله (ص) جوابش را داد سپس به او فرمود: باز گرد نماز بخوان چون تو نماز نخواندی.

آن شخص رفت و دوباره نماز خواند سپس برگشت و سلام گفت. رسول الله (ص) جوابش را داد، سپس به او همان دستور را داد: برگرد و نماز بخوان چون تو نماز نخواندی.

آن مرد باز هم این کار را کرد سپس برگشت و سلام گفت. رسول الله (ص) جوابش را داد که بار دیگر نمازش را اعاده کند.

آن مرد گفت: قسم به ذاتی که تو را به حق فرستاده است من چیزی غیر از آن چه انجام دادم نمی دانم، به من آموزش بده.

رسول خیر خواه و امین به او فرمود: هنگامی که برای نماز ایستادی تکبیر بگو، سپس هر چه را که از قرآن برایت میسر است بخوان، سپس رکوع کن تا در حالت رکوع آرام بگیری، سپس بر خیز تا درست بایستی، (یعنی هر بنده ای در جایش قرار بگیرد) سپس سجده کن تا در حالت سجده آرام بگیری، سپس بنشین تا در حالت نشستم آرام بگیری، سپس سجده کن تا در حالت سجده آرام بگیری و این را در تمام نمازت اجرا کن.

از رسول الله (ص) در مورد نگاه کردن به اطراف در نماز سؤال شد. فرمود:

"هو اختلاس یختلسه الشیطان من صلاة العبد" "این اختلاس (کش رفتن) است که شیطان از نماز بنده اختلاس می کند".

و فرمود: "إن أسوأ الناس سرقة الذى يسرق صلاة" قالوا: يا رسول الله، وكيف يسرق؟ قال: "لا يتم ركوعها، ولا سجودها."

"بدترین دزد، کسی است که از نمازش می دزدد". گفتند: چگونه می دزدد یا رسول الله؟

فرمود: (ركوع و سجده اش را به طور کامل انجام نمی دهد).

در حدیث دیگری آمده است: "وقتی انسان نمازی می خواند که رکوع و سجده اش را کامل انجام نمی دهد، آن نماز مثل پارچه ای نامرغوب پیچیده می شود و به صورتش پرت می شود و نماز می گوید: خدا تو را ضایع کند همان طور که مرا ضایع کردی، وقتی رکوع و سجده اش را کامل انجام بدهد مثل پارچه ای خوب و مرغوب پیچیده می شود و نماز برایش دعا می کند و می گوید: خدا تو را حفظ کند همان طور که مرا حفظ کردی".

هم چنین رسول الله (ص) می فرماید: "إن الله عزوجل يقبل على العبد فى الصلاة ما لم يلتفت فإذا صرف وجهه انصرف عنه"

"تا زمانی که بنده در نماز به این طرف و آن طرف نگاه نکند خدا رو به طرف او می کند، وقتی بنده رویش را گرداند خدا رویش را از او می گرداند".

تو را به خدا قسم بعد از چند ثانیه خداوند رویش را از نمازت بر می گرداند؟!

آیا تحمل و تصور می کنی که پروردگارت از تو روی بگرداند؟ آیا شرم نمی کنی که وقتی خدا به تو نگاه می کند تو به کسی دیگر نگاه کنی؟!

بترس از این که خدا در نمازش به تو نگاه نکند، چون رسول الله (ص) می فرماید: "لا ينظر الله إلى صلاة عبد يقيم صلبه بين ركوعه و سجوده" "إن العبد إذا أقبل على صلاته ثم التفت يقول الله تعالى: أإلى خير منى؟!"

"خداوند به نماز بنده ای که پشتش را در حالت رکوع و سجده برابر نمی کند نگاه نمی کند".

"وقتی بنده به نماز می ایستد سپس به اطرافش نگاه می کند خداوند می فرماید آیا به بهتر از من نگاه می کنی؟"

خداوند می پرسد: آیا بنده ام بهتر از من پیدا کرده است؟ معبودی رحیم تر از من یافته است؟

برادرم بدان که معیار قبولی نماز حضور دل و فهم عقل است، به این جهت رسول الله می فرماید: "لیس للمرء من صلاته دلا ما عقل منها."

"فقط آن چه را که شخص از نمازش می فهمد برایش می ماند".

یعنی شاید مسلمان نمازش را به پایان برساند و یک حسنه هم کسب نکند، فقط فریضه را از گردنش ساقط کرده است. یعنی آن را ادا کرده و گناه بازخواست شدن به خاطر ترک کردن را از خود دور کرده است، چرا که او یک آیه، یا یک بسم الله و یا یک دعایش را نفهمیده است، چون با قلب غافل و فراموش کار نماز خوانده است.

خداوند متعال داوری عادل است و مزد هم به اندازه ای زحمت است، به این خاطر رسول الله (ص) می فرماید:

"إن الرجل ليصلي الصلاة فلا يكتب له إلا ثلثها أو ربعها أو نصفها أو سدسها أو ثمنها أو عشرها."

"به راستی که شخص نماز می خواند و به جز یک سوم، یا یک چهارم، یا نصف، یا یک ششم، یا یک هشتم و یا یک دهمش برایش نوشته نمی شود".

**به من بگو بینم چه قدر از نماز های ما را خدا برای ما می نویسد؟**

تصور کن که تو بر یکی از پادشاهان، یا یک رئیس و یا یک مدیر وارد شدی، سپس او را ثنا و ستایش نمودی و در جلوی او مؤدب و مطیع ایستادی، چگونه به تو پاداش می دهد؟ اگر پاداش بنده به بنده این چنین باشد پس پروردگار تمام بندگان به تو چگونه پاداش می دهد؟!

## اهمیت و مشروعیت فعالیت جمعی دینی

نویسنده: مصطفی محمد طحان / مترجم: جلیل بهرامی نیا

دین اسلام صرفاً "توصیه‌هایی نظری نیست که مؤمنان به آن‌ها باور مند باشند و سپس اداره‌ی جامعه را به دیگران وانهند. سرشت اسلام چنان است که گروهی متحد و فعال ایجاد کند که معتقد به باورهای اسلامی باشد و بلافاصله به جماعتی تبدیل شود که منتهای توانایی خود را برای برپا داشتن شرع خداوند به کار گیرد. بنا به قاعده‌ی مشهور «شرط تحقق یک امر واجب، خودش نیز واجب است»، جماعت اسلامی نیز که ابزار برپایی اسلام است، همچون خود اقامه‌ی دین واجب است.

جماعت اسلامی مطلوب هم جماعتی است که رهیافته و فرمان بر پروردگارش باشد، مأموریت امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهد، همگرا و واجد هویتی ممتاز باشد و با هدفی تعریف شده و در چارچوب سازمان و برنامه ریزی واضح و مشخص حرکت و فعالیت کند... چنان که خدای متعال فرموده است:

( وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ) آل عمران / ۱۰۴

« باید از میان شما گروهی باشند که ( تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را ) دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند ، و آنان خود رستگارانند . »

در تفسیر المنار در توضیح این آیه چنین آمده است: «امت اخص از جماعت و به معنای جماعتی است متشکل از افرادی که نوعی پیوند و یگانگی خاص آن‌ها را دور هم گرد آورده است که به وسیله‌ی آن دقیقاً همانند اعضای بدن یک شخص واحدند.»



• همراهی با جماعت، عامل مصونیت از همگرایی بر مبنای ضلالت است، چنان که

ابن مسعود گفته است:

با جماعت و اکثریت مسلمانان همراه شوید که امت محمد حول باطل گرد نمی آیند. «همگرایی عامل مصونیت از بیماری هم ستیزی و شکست نیز هست: (لَا تَنَارَعُوا فِتْنَةً وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ) انفال/ ۴۶»

«کشمکش مکنید، ( که اگر کشمکش کنید ) در مانده و ناتوان می شوید و شکوه و هیبت شما از میان می رود.»

• راه اندازی و همراهی جماعت، از جهتی دیگر نیز لازم است و آن رویارویی با این

انبوه هولناک دشمنان دین و سازمان ها و تشکل هایی است که با امکانات فراوان به مبارزه با اسلام مشغولند.

معلوم است که فرد، هر اندازه که توانمند و کوشا هم باشد، توان حمل مسئولیت ها و تکالیف دین برای نیل به اهداف مورد نظر و آرمان های مورد انتظار را نخواهد داشت.

• امام شافعی فرمود: «هر کس قائل به گزینه ی مورد نظر اکثریت مسلمانان باشد

ملازم جماعت است و هرکس نظری خلاف اکثریت مسلمانان برگزیند، خلاف ضرورت همراه با جماعت عمل کرده است و باید توجه داشت که غفلت و بی اعتنائی به حق، کاملاً در موارد واگرایی و تفرقه است.»

• امام ابن تیمیه در تثبیت و تأکید مشروعیت فعالیت جمعی سازمان یافته می

گوید: «واژه ی زعیم همان واژه های کفیل، قبیل و ضمین است. خداوند می فرماید:

(وَلَمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ) یوسف/ ۷۲

« و من شخصاً این پاداش را تضمین می کنم.»

لذا هر کس متصدی ریاست گروهی شود، او را زعیم می نامند و اگر تصدی و مدیریتش بر امور خیر و پسندیده باشد، قابل ستایش و در غیر این صورت قابل نکوهش است.

راس حزب هم رأس همان طایفه ای است که حزب تشکیل داده است. اگر تشکیل دهندگان یک حزب، بی کم و زیاد حول اوامر خدا و پیام آورش گرد آمده باشند، اهل ایمانند و حقوق و وظایف و پاداش و کیفر خود را خواهند داشت. اما چنان چه بر آن حد و حدود بیفزایند و یا از آن بکاهند. مثلاً "به حق و یا ناحق نسبت به اعضای حزب تعصب ورزند و یا افراد خارج حزب خود را فارغ از عملکرد درست یا نادرست آن ها و صرفاً" به علت عدم عضویت در حزبشان، ناحق و قابل اعتراض بدانند، این دیگر مصداق هم ستیزی و تفرقی است که مورد نکوهش خدا و پیام آور اوست که مسلمانان را به همگرایی و ائتلاف توصیه کرده و از هم ستیزی و اختلاف منع نموده اند و همچنین جامعه ی اسلامی را به همکاری در کارهای نیک و پاک رفتاری، امر و تشویق و از همیاری در موارد گناه و ستم تحذیر کرده اند.

صحابه و سلف صالح این مفهوم را به صورت کامل درک و فهم کرده بودند و لذا به دعوت فردی اکتفا نکردند بلکه گروه هایی برای دعوت مردم به سوی خدا تشکیل دادند و به صورت جمعی به تکاپو پرداختند.

از جمله ی اینان می توان به صحابی قریشی هشام بن حکیم بن حزام اشاره کرد که زهری در معرفی او می گوید:

وی همراه با افرادی که به همراه داشت، امر به معروف می کرد». چنان که ملاحظه می شود وی جماعتی آمر به معروف تشکیل داده بود و این دلیلی است بر صحت این که امر به معروف باید به وسیله و پشتوانه ی یک گروه صورت گیرد و هرگاه گروه تشکیل شد، دعوت به ساب می آید.

سلف صالح ما پرهیز از فعالیت جمعی به بهانه ی احتمال وقوع در فتنه از جمله ابتلا به ریا، تعصب، غرور و... را نادرست دانسته اند. در این زمینه، تابعی کوفی عامر شعبی نقل می کند که شماری از مردان کوفه از شهر بیرون رفتند و در جایی نزدیک آن به عبادت پرداختند. خبر این موضوع به عبدالله بن مسعود که رسید، رهسپار اقامتگاه آنان شد و مورد استقبال شادمانه ی آنان قرار گرفت. از ایشان پرسید: انگیزه ی شما از چنین اقدامی چه بوده است؟! پاسخ دادند: دوست داشتیم به دور از غوغای اجتماع به عبادت و نیایش پردازیم! ابن مسعود گفت: اگر شما کناره بگیرید، پس چه کسی به مبارزه با دشمنان پردازد؟!

برخیزید که که تا باز نگردید دست بردار نخواهم بود!

www.eslahe.com

هر آدم خردمندی می داند که شیطان تنها از سه جهت می تواند بر او راه پیدا کند:

اول: زیاده طلبی و اسراف کاری، و اینکه در هر چیزی بیش از حد نیاز اقدام نماید، همین زیاده طلبی به صورت مینه ای برای نفوذ شیطان بر قلب در می آید، و راه رویارویی با آن فرصت ندادن به نفس برای دست یابی به علاقمندی بیش از حد به خواب و خوراک و لذت و راحت طلبی است، هرگاه این در را بر روی نفس خویش بست، در واقع در را بر روی دشمن سرسخت خویش بسته است.

دوم: غفلت، زیرا اهل ذکر در پناه قلعه مستحکم ذکر قرار می گیرند، اما هرگاه دچار غفلت شوند، درهای آن قلعه گشوده می شوند و دشمن به آن راه پیدا می کند، و در این حالت بیرون راندن آن بر آنان بسیار مشکل خواهد بود.

سوم: توجه و بهره گرفتن و عملی نمودن کردار و گفتارها و چیزهای بیهوده که او را برای تقویت علم و ایمان و عمل نیک و خیر و مصلحت خود و دیگران یاری نمی دهند.

منبع: طب القلوب/ ابن قیم

## آثار و ضررهای گناه «انسان»

- |  |  |
|--|--|
| ۱ - محروم شدن از دانش و علم                | ۲ - وحشت و تنهایی درون جان و قلب انسان |
| ۳ - سخت و دشوار شدن کارها                  | ۴ - سستی و ناتوانی بدن                 |
| ۵ - محروم شدن از اطاعت و فرمانبرداری       | ۶ - از بین رفتن خیر و برکت             |
| ۷ - کم شدن توفیق                           | ۸ - تنگ شدن سینه و بی حوصلگی           |
| ۹ - زایش و افزون شدن گناهان                | ۱۰ - اعتیاد به گناهان                  |
| ۱۱ - کم ارزش شدن گناهکار نزد الله          | ۱۲ - کم ارزش شدنش نزد مردم             |
| ۱۳ - نفرین و لعنت چهار پایان بر گناهکار    | ۱۴ - ذلت و خواری انسان                 |
| ۱۵ - مهر خوردن قلب و خشم خدا               | ۱۶ - عدم پذیرفته شدن و قبولی دعاها     |
| ۱۷ - گسترش فساد در زمین و از بین رفتن غیرت | ۱۸ - از بین شرم و حیا                  |
| ۱۹ - پایان پذیرفتن و برچیده شدن نعمت ها    | ۲۰ - فرود غم ها و بلاها و مصیبت ها     |
| ۲۱ - ایجاد ترس و وحشت در قلب گناهکار       | ۲۲ - افتادن در اسارت و دام های شیطان   |
| ۲۳ - عاقبت به خیر نشدن                     | ۲۴ - عذاب دردناک و جاودانی آخرت        |

### چهار مرحله توبه کردن از گناهان

- اول : بلافاصله و بی درنگ از گناه دست کشیدن و ترک آن .
- دوم : ندامت و پشیمانی بر آنچه که گذاشته است .
- سوم : اراده و تصمیمی قاطع و جدی بر عدم ارتکاب آن گناه .
- چهارم : بازگرداندن حقوق کسانی که مورد ظلم واقع شده اند یا درخواست بخشش از آنان .

## ایمان چگونه سعادت و خوشبختی انسان را تامین می‌کند؟

نویسنده: استاد شهید ناصر سبحانی

یکی از اساسی‌ترین، مهمترین و مطلوب‌ترین چیزهای یک انسان که هرگز مسئولیتش از وی ساقط نمی‌گردد، ایمان است یعنی شناخت دین خدا و تسلیم قلبی به دین حق و اگر زمینه و شرایط مناسب مساعد گردید عمل صالح که از توابع ایمان است هم خواسته می‌شود. آیا چنین ایمانی سعادت و خوشبختی انسان را تامین می‌کند؟ یا خیر؟

### • تعامل ایمان در رابطه با گذشته‌ی انسان:

زندگی انسان از سه حالت خارج نیست، گذشته، حال و آینده، ایمان چگونه این سه موقعیت را برای انسان به نعمت ارزنده‌ی آرامش می‌آراید تا انسان سعادتمند گردد؟

اگر انسان در گذشته، از لحاظ ایمانی دچار نقص بوده باشد و آثارش هنوز در وجودش ماندگار باشد. در یک لحظه می‌تواند چنان جهش و تحول روحی در خود ایجاد کند، که تمامی آثار نقص ایمان گذشته‌اش را جبران نماید آری او نقایص و تقصیرات گذشته را به یاد می‌آورد و به آنها می‌اندیشد، و از تمامی قصورات پشیمان شده و با عزمی راسخ تصمیم می‌گیرد که دیگر هیچ وقت به سراغ آنها نرود. و با یک توبه‌ی نصوحانه و جهش روحی به حالت و مرحله‌ای از کمال و ایمان می‌رسد، که اگر در گذشته هم کامل بود و دچار نقص نمی‌شد، در همان حالت می‌بود که حالا به آن دست یافته است.

کسی که بتواند با یک توبه‌ی نصوح و یک جهش روحی تمام نقایص و تقصیرات گذشته‌ی خود را برطرف کند، به خاطر چه چیزی غم گذشته‌اش را بخورد؟ آیا گذشته‌ای که کامل و بدون نقص و تقصیر بوده، غصه خوردن دارد؟

آری، اینگونه ایمان کاملاً حزن و اندوه را از انسان می‌رانند، همانطور که در قرآن در وصف مومنان آمده (( لاهم یحزنون )) براستی آنان هیچ غم و اندوهی ندارند؟!

### • تعامل ایمان در رابطه با آینده‌ی انسان:

ایمان اینگونه گذشته انسان را تضمین می‌کند اما آینده‌ی فرد را چگونه حفاظت می‌کند؟ چیزی که در دست انسان مومن می‌باشد، ثروت نیست که بترسد آن را از او بدزدند، قدرت و مقام هم نیست که عده‌ای توطئه کنند و آن را از چنگ وی در آورند و حتی چیزی نیست که با مرگش آنرا از دست بدهد. زیرا ثروت او «ایمان» است که در قلب او جای گرفته و قلبش هم در میان دو انگشت از انگشتان خدای رحمان جای دارد و در دست او و کنترل قدرت اوست.

ایمان در جای است که هیچ قدرتی غیر از خداوند دستش به آنجا نمی‌رسد و هیچ کس نمی‌تواند آنرا از او بگیرد. حتی اگر قدرتی او را با سخت‌ترین شکنجه‌ها عذاب بدهند، فقط می‌توانند جسم او را بیازارند و اگر او را بکشند فقط جسم و جسد اوست که از بین می‌رود و روحش با ایمان او جاودانه مانده و به عالم برزخ می‌رود و در آنجا هم سیر به سوی کمال را ادامه خواهد داد و هر لحظه بر معرفت و ایمان او افزوده می‌گردد. و از رزق و نعمت بی‌شمار پروردگارش برخوردار خواهد بود. همانطور که خدای رحمان می‌فرماید: «عند ربهم یرزقون»

پس انسان مومن آنچه را دارد (ایمان) با مرگ از دستش نمی‌دهد و هیچ کس هم نمی‌تواند آنرا از او بگیرد و برآید. از طرف دیگر خدایی که خیرالحافظین و ارحم‌راحمین می‌باشد، حفظ ایمان او را تضمین کرده است و خودش حافظ و نگه‌دار اوست. انسان وقتی به چنین مطلوب و خواسته‌ای دست یابد که کمبودها و نقایص گذشته‌اش را با یک عزم قاطع و توبه‌ی نصوحانه جبران کند و تمام تقصیراتش را بزدايد و آینده‌اش را آنچنان که توضیح دادیم تضمین و حفاظت کند، پس دیگر جایی برای حزن و خوف نمی‌ماند و انسان مومن به حالتی می‌رسد که خداوند او را توصیف می‌کند. «خوف علیهم و لاهم یحزنون»

این تعبیر قرآنی که در جاهای زیادی از قرآن آمده است. فقط در رابطه با قیامت نمی‌باشد، بلکه انسان مومن لحظه لحظه چنین احساسی را دارد و اگر خوف و حزن بر قلب ظاهر گردد و یا باشد، نتیجه‌ی نقص ایمان است که انسان هر لحظه اراده کند می‌تواند با جهشی روحی آنرا جبران گرداند.

## بهرنامه‌یه‌کی کرداری بۆ مانگی رهمه‌زان

سوپاس و ستایشی بی پایان بۆ خوای گهوره و بالآ دهست وه دروودو سه‌لام له‌سه‌ر کۆتا په‌یامبه‌ر (موحه‌مه‌د) و هاوه‌لان و شوین که‌وتوانی تا روژی دوابی...بابه‌تی ئهم جاره به‌رنامه‌یه‌کی کرداریه که ههموو یه‌کێک له ئیمه ده‌توانیت جیبه جیبه بکات ، بینگومان به پابه‌ند بوون به‌م به‌رنامه‌یه‌وه پاداشتیکی زۆرمان ده‌ست ئه‌که‌ویت..به نووسینه‌وه‌ی ئهم به‌رنامه‌یه له‌سه‌ر په‌ر مه‌یک و چاو پینداخسانه‌وه‌ی ههموو روژیک پیش خه‌وتن زیاتر یاریده‌ده‌ر ده‌بیت بۆ پابه‌ند بوون...

**به‌م شیوه‌یه:**

**ناموژگاری یه‌که‌م : نوێژه‌کان :** ناموژگاری پیغه‌مبه‌رمان دروودی خوای لیبیت پیش وه‌فاتی ده‌یفه‌رموو " الصلاة الصلاة و ما ملکت ایمانکم."

۱ - نوێژکردن له مزگه‌وت به کۆمه‌ل بۆ پیاوان ، وه ئافه‌ه‌تان له کاتی خۆیدا و له‌ماله‌وه.

۲ - نوێژه سونه‌ته‌کانی پیش و پاش نوێژه فه‌زه‌کان ، وه نوێژی ته‌راویح.

۳ - نوێژی وتر و چینه‌ته‌نگا ، وه نوێژی ئیستیخاره و نوێژی پیویستی.

۴ - گرنگی دان به پارانوه له کاتی کرنووش بردندا، ملکه‌چ بوون بۆ خوای گه‌وره و گرنگی دان به ته‌ده‌بوری نایه‌ته‌کان و تیگه‌شتن لییان ، وه خویندنی دوعا‌کانی پاش نوێژ.

**ناموژگاری دووه‌م: قورنان:**

۱- رهمه‌زان مانگی قورنانه : پیویسته لهم مانگه‌دا به‌لایه‌نی که‌مه‌وه جاریک خه‌تم بکرنیت ، وه گوێگرتن لینی له ماله‌وه بیت یان له‌ناو ئۆتومبیل.

۲ - هه‌ول بده ئه‌و جوژه‌ بخوینیت که ئیمام له نوێژی ته‌راویحدا شه‌و ده‌بخوینیت بۆ زیاتر تیگه‌شتن.

یه‌ک بیت به‌رامبه‌ر ده چاکه ده‌نوسریت ، وه خوای گه‌وره بیه‌ویت پاداشتی زیاتر ده‌نوسیت ، له رهمه‌زانا ته‌نانه‌ت چرکه‌ش به‌ فیرو مه‌ده چونکه زۆر به‌ نرخه.

### ناموژگاری سنیهم : تهراویح

۱- لهیهکهم شهوی رهمزانه وه یابه‌ند به به تهراویحهوه.

۲- نوێژکردن لهو مزگهوتیهی که له تهراویحدا جزئیک دهخوینیت یارمهتیده‌ره بو خاتم کردنی قورئان.

۳- نوێژکردن له مزگهوتیک دا که گهوره‌بیت زورباشه چونکه له ناو کۆمه‌لێک نوێژ خوینی زوردا خشوع و ترس و ملکه‌چی له‌گه‌ل ده‌بیت.

۴- پنیوست ناکات دواى نوێژ زور بمینیتیهوه... کات به نرخه و نه‌گهر بئ هوده به‌فیرۆت دا ناگهریتیهوه.

۵- هه‌ولبده له مزگهوتیک بیت که زیکتین بیت له ماله‌که‌تهوه ، بو کات باشتره هه‌روه‌ها بو گه‌یاندنی ناموژگاریه‌ک چونکه ئه‌وانه‌ی ده‌یانینیت ناسراون.

### ناموژگاری چواره‌م : به‌خشین

۱- زور به‌خشه هه‌تا له توانادا هه‌یه... رۆژیک به‌سهرندا تینه‌پهریت به بی به‌خشین نه‌گهر شتیکی که‌میش بیت. "اتقوا النار و لو بشق تمره."

۲- نه‌گهر توانات هه‌یه هه‌ول بده خواردن بو رۆژه‌وانان دا‌بین بکه.

۳- هه‌زارانت بیرنه‌چیت به‌تایه‌تی ئه‌وانه‌ی که ده‌یاناسیت له خزم و دۆستان و دراوسێکانت ، هه‌ولبده پێش هاتنی جه‌ژن که‌سیکی ناسراوت نه‌بیت که له ناخۆشیدا بیت نه‌گهر تو بتوانی یارمه‌تی به‌هیت.

۴- زه‌کاتی فتره‌ زه‌کاتی مالت بیرنه‌چیت و بو دواى نوێژی جه‌ژن هه‌لمه‌گره، چونکه سه‌ره‌رای به‌جیه‌ینانی زه‌کاته‌که‌مت پاداشتیکی زور و مرده‌گریت وه دلێ هه‌زارانیش خوش ده‌که‌یت.



### نامورگاری پینجهم : خزمایهتی و سیلهی رهم

- ۱- بهشداری کردن و ناماده بوون له خواردنی به کومهل ، یان هاوړی و خزمهکانت بانگهښتنی خواردن بکه بهمسرچیک زیادهرموی نهکهی له دروستکردنی خواردنهکهدا.
- ۲- ههولبده وهلامی ههموو بانگهښتنهکان بدهپتهوه و پهپوهندی خزمایهتیت بیر نهچیت.
- ۳- نهوانهی که نیوانیان تیکچوو و پهپوهندیان پچراندوو ناستیان بکهرموه.

### نامورگاری شهشهم : زمانی خوت بگره

- ۱- همرشتیک خیزی تیدا نهیت میلی و زمانت به یادی خوی گهوره سهرقال بکه.
- ۲- فرمان کردن به چاکه و نههی کردن له خراپه.
- ۳- پارانوه و دوعاکانت بیر نهچیت وه ههمیشه به زردهخنهیهکی نارام لهسر دم و چاوت دهر بکمویت.
- ۴- خوت له غمیهت کردن و قسه هینان و بردن بهدور بگره ، دهنگت بهرز مهکرموه و زور موناقهشه مهکه.
- ۵- دور به له دروکردن ، همرگیز وشهی نابجی بهکار مهینه ، پیغمبر درودی خوی لهسر بیت دهمرمویت : (لیس المؤمن بالطعان و لا اللعان و لا بالفاحش و لا بالبدیء).

### نامورگاری ههوتهم : تو و تلهفریون

و مک دهزانین له رهمزاندا چهندين زنجیره و بهرنامه دادهبزیت ، باش وایه کاتیکی زور لهوهدا بهسر نهبن چونکه نهو کاتانه زور پیروزن به له دستمان نهچیت ، بهتاییهتی سهپرکردنی نهو بهرنامانهی که له بهرمتدا له نیسلامدا نههی لیکراون.

**ناموژگاری ههشتهم : بانگهواز له پیناوی گه یاندنی نهم ناینه پیروژه :**

- ۱- پابه‌ند به به‌بانگکردنی که سیتیک بو سهر رینگه‌ی راست ، دل‌ه‌کان لهم مانگهدا زور نهرم ده‌بن و زیاتر گوێرایه‌لی فهرمانی خوا ده‌بن بویه نهم هه‌له بقوزهره‌وه . پینگه‌مبه‌ر درودی خوی له‌سه‌ر بی‌ت ده‌فه‌رمویت : "لأن یهدی الله بک رجلا واحدا خیر لک من حمر النعم."
- ۲- به‌ته‌ن‌ها مه‌رو بو نوێزی به‌کومهل و ته‌راویح به‌بی ئه‌وه‌ی که سیتیک له‌گهل نه‌بی‌ت ، به‌تایبه‌تی ئه‌گهر پابه‌ندی ئه‌و په‌رسته‌شه نه‌بی‌ت.
- ۳- مه‌رج نیه‌ ته‌ن‌ها له‌گهل خزم و هاوریکانت بی‌ت با که سیتیک تریش بی‌ت یارمه‌تی بده و بانگی بکه ، چه‌ند خوش ده‌بی‌ت ئه‌گهر هیشتا ره‌مه‌زان ته‌واو نه‌بوه و تو زیاتر له‌ که سیتیک بو هیدایه‌ت رینوینی کردوه .

**ناموژگاری نویهم : نیعتیکاف**

- ۱- ده‌توانیت پشوویه‌ک له‌ کاره‌که‌ت و ره‌بگری‌ت به‌مه‌رجیک زیانی بو کاره‌که‌ت نه‌بی‌ت ، هه‌ول بده بو ده‌ روژی کوتایی ئه‌گهر توانات نه‌ بوو چه‌ند روژیک وه ئه‌گهر هه‌ر نه‌توانی چه‌ند کاژیریک هه‌ول بده به‌ته‌ن‌ها به‌می‌نی‌ته‌وه .
- ۲- له‌ کاتی مانه‌وت قسه‌کردنت که‌م بکه‌ره‌وه .
- ۳- له‌ روژدا قورئان خویندن و زیکر و دوعا و نوێژمه‌کان بکه ، به‌ شه‌ویش نوێزی ته‌راویح و پارانه‌وه‌ داوای لیخوشبوون و شه‌و نوێژ زیندوو بکه‌ره‌وه .
- ۴- هه‌لیک دابنی بو گه‌شت کردن بو لای خوی گه‌ره .... هه‌لیک رزگارت بکات له‌ ناخوشی و رینگه‌کانی دونیا ، ئه‌و کاته‌ت ته‌ن‌ها بو خوا بی‌ت بزانه چون دوا‌ی نیعتیکافه‌که‌ت ئاسوده ده‌بی‌ت.

**ناموژگاری ده‌یه‌م : ته‌وبه و گه‌رانه‌وه بو لای خوا**

مانگی ره‌مه‌زان گه‌وره‌ترین هه‌له بو گه‌رانه‌وه له‌ تاوانه‌کان و ته‌وبه کردن له‌ هه‌موو گونا‌هه‌کانی ته‌مه‌ن .. هه‌لیکه‌بو کردنه‌وه هه‌لدانه‌وه‌ی په‌رهبه‌کی نئی له‌گهل خوی گه‌ره .

## ئادابی جهژن کردن

۱ - پنیویسته زهکاتی سهرفیتره دیابی پینش نویژی جهژنی رهههزان.

۲ - سوننهته بۆ نویژی جهژن خۆت بشۆی.

۳ - موستهحهبه چهند دهنکه خورمایهک بخوی پینش چونت بۆ نویژ ،

۴ - پنیویسته له رۆژی جهژندا ، ههوال پرسین و روو خوشی و چاک و چۆنی گهردن نازادی و دوعای خیرکردن راستگۆیانه و صادیقانه نهک چوکلاتهه و راگردن. هاوهلان که له جهژندا بهیهکتر دهگهیشتن لهکاتی تهوقه کردندههیان گوت (تقبل الله منا ومنکم) واته:خوا له نیمهونیهوشی قبول کردیی ،

۵ - له بهرکردنی جل و بهرگی ههلال و جوان به پینی توانا .

دورکهوتنهوه له دیاردهی ههلهو نهگونجاو :

۱ - تیکهانی ژن و پیاوی نامههرهم، بهتایبهت له شارهکاندا نهم دیاردهیهزۆر بلاوه ، وه تهوقهکردن لهنیوان کورو کچی نامههرهم باخزمیشی بئ.

۲ - گۆرانی و رهش بهئهک و قومار و یاری ناو بازارهکان ، وه فهسادی ناو پارک و سهیرانگاکان ، چونکه ههندئ کهس وا دهزانن لهو رۆژهدا ههرچی بکهی دروسته، له رهمهزاندای خوی پاک کردوتهوه دوابی خوی پیس دهکاتهوه.

۳ - خهنگانی ههه زۆر دل خۆشن بهم جهژنه، بهلام دهزانن بۆ ؟ چونکه رهمهزانیان لهکۆل بۆتهوه بهداخهوه که نهم بۆچونه ههلهیه، بهئکو بۆیه خوشحال دهبین که خوا یارمهتی داین بۆ گرتتی و تهوا و کردنی مانگی رهمهزان.

۴ - گران فرۆشی و گران کردنی نرخ کالای و خواردهمهی کهلهویژدان دهرچهوه

۵ - ترهقهی منالان و بهرله کردنیان بۆ نهنجامدانی دیاردهی نهگونجاوونهشیواو، جاران تهقهی گهورهکان بوو نیستا هی منالان.

۶ - دورکهوتنهوه له نۆجهژنهوه سهرقههبران و تازهکردنهوهی تهعهیه.

۷ - بهداخهوه ههندئ له کهنال و میدیاکانی ناوخۆیی جهژنهکان بهیلاوکردنهوهی بئ شهعی و خراپهکاری پیروژ

دهکن! کهدورن له نهريت و یاسای کوردایهتی و نیسلامهتی! تهنهها خزمهتکردنی بینگانهیه!!!

## ناموژگاری

### ناموژگاری کاکه نه حمه دی مفتی زاده (رحمه الله)

...عه زیزه کانم! باش بۆن له جامععه به کی پاک وسالم وسألحا، هونه رنیه «بداالسلام غریباً وسیعودکما بدأ، فطوبی للغرباء» نه وه هونه ره له وه ختیکا، که خه لک هه رچه ن به ناو موسولمانن، نه مما به دل موسولمان نین، ره غبه تیان نیه بۆ ریگای ئیسلام، ناله وه وختا بتوانی خالیسانه و موخلیسانه هه ول بده ی بۆ نیسلام، چ بزانی چ نه زانی، چ خوینده واربی، چ نه خوینده واربی.

جامیعه به ک، که حازرنیه خزی بخاته عه زاب و زه حمه ت بۆ شوینکه وتتی ریی حه ق. تو له وئ هه ول بده ی که خه لک داچله کینی، دلسوزی خه لک بی، برئ نیشان بده ی به خه لک، وه ختی وات کرد، دیاره غه ریب نه بی «فطوبی للغرباء» نه وه به، یانی: له هه ر زه مانیکا، دین دوباره، نامه نئوسه، له ناو جامیعا و خه لک، لی نه سلله مینه وه، نا له وزه مانا تو ته حه ممولی مه شه ققه ت بکه ی، وه ک: پئشه و، اعزیمه مه حبویه گه وره که ت (سه له وات و سه لام و ره حمه ت و به ره کات خوی لی بی) به رده بارانت بکه ن، جنیوت بده ن، نفرینت که ن، ته حه ممولی بکه ی. بۆ نه وه خه لکی به دبه خت، حالی بکه ی: ده رمانی ده ردی کامه به بدوزیته وه پروا به ره ولای، نه وه وخته غه ریب نه بی. «فطوبی للغرباء» موژده یه که، که پیغه مبه ر (ص) به ئینسانی، نا وه ک ئیوه ی داوه، زه حمه تی بۆ قه بۆل که ن.

### ناموژگاری قازی محهمهد (رحمه الله)

پیش له سیداره دانی قازی محهمهد کۆمهلیک ناموژگاری وهک وهسیهت نامهیهک دنوسیت نهمه ی خوارموه چهند خالیکی کورتین لهم ناموژگاریبانه که له نیو وهسیهت نامهکه ی نوسراوه بۆ ئهمه ی نهمه ی کورد سود لهم ناموژگاریبانه ی پیشهوا وهر بگریت:

یهکیتی و تهبابی له نیوان خۆتان بپاریزن. کاری نهشیباو مهکن له بهرامبهر یهکتری. چاوچنۆک مهبن بهتاییهتی له بهرپرسیارتهی و خزمهتکردندا .

خویندن و زانست و پلهی زانیاریتان بهرنه سهروهه و بۆ ئهمه ی کهمتر فریوی دوژمنان بخۆن. بۆچهند روژیکی ژیاپی بی قییمهتی ئهم دنیایه خۆتان به دوژمن مفروشن چونکه دوژمن جیگه ی هیچ باوهر پیکردنیک نیه.

خیانهت بهیهکتری مهکن نه خیانهتی سیاسی و نه گیانی و نه مالی و نه ناموسی چونکه خیانهتکار لای خوداو خه لک تاوانباره خیانهت به رووی خیانهت کاران دهگهریتهوه ئیوه له ههول و خهبات و تیکوشان مهوستن تا وهکو ههموو گهلانی تر له ژیر چهپۆکی دوژمنان زرگارتان دهبیت مالی دنیا هیچ نیه نهگهر ولاتیک ههبیت سهربهستهیهک ههبیت هم مال هم سهرومت هم دهولههههه نابرۆی نیشتمان دهبات.

## پوختهیهك ده باره ی روژوو

ماموستا ناصر سبحانی

حقیقتهتی روژوویش پیویسته ئینسانی موسولمان بیزانیت ئهویش ئهویه که ئینسان له ریگای بهندهییدا ئهوی خوا پنی خوشه، ئهوه بکات، ئهوی خوا پپی ناخوشه نهی کات ولئی بهدوور بییت. جائهوه زور زهممهته ئینسان وای لی بی خوا چی پی خوشه ئهوه بکا وچی پی ناخوشه ئهوه نهکا، واته (تهقوا)ی بییت، لهبر ئهوه خوای گهوره دهووری داناهه بو ئینسان لهو دهوورمهیدا بهشداری نهکات و، له فهجرهوه تا خور ئاوا بوون خوی دوور نهگری لهو شتانهی زور دلئی پیوهیهتی و ئیشتیهیهتی، لهو شتانه دووری نهکا، تا فیری تهقوا بییت، لهمانگهکانی تر و روژهکانی تردا له خوا بترسی، له کاتیکیدا خوراکی ههیه، خواردنهوی ههیه، نهوانی لهگهڵ هاوسهریا نزیکی بکا، به لام لهبر خاتری خوا، لهتهواوی روژدا خوی دوور نهگری لهوانه، بهههوهس و ئارهزوی خوی کار ناکات. جا که مانگیک لهو دهوورمهیدا کاری کرد فیری ئهوه نهبییت له مانگهکانی تریشدا لهوهی خوا منعی نهکا دووری بکاو، ئهوهی کهخوا ئهمری پی نهکا نهجایمی بدا. بهو جوهره (متقی) بهرهو خوشبهختی و سهعهدهتی هههمیشهیی نهروا..

جا نهو دهوره یهک مانگییه بهشی یهک سالی نهکا، دواپی که نهاندازهیهک لاوازی رووی تی کردهوه، دهورهکه دوباره نهبیتهوهو مانگیکی تر دینه پیشهوه و نهچیتهوه ناو دهوره و خوی بههیزنهکات بو یانزه مانگی تر.

### چهند وتهیهکی پیشهوا

**عومهری کوری خهتاب (رض):**

ههرکهسینک زور بلت خراپه ی زور دهبییت.

ههرکهسینک خراپه ی زور بیت شهرمی کهم دهبییت.

ههرکهسینک شهرمی کهم بیت له خواترسانی کهم دهبییت.

ههرکهسینک له خواترسانی کهم بیت دلئی دهمریت.

## نهی پیغمبر

ماموستا نیبراهیم مهردوخی

نهی پیغمبر! نهی رابری مرقایه‌تی! سلّوی خودای گهورهت له‌سهر، پینش خه‌لاتی پیغمبر، پینش گه‌شنتت به‌سهره‌ری، له بهر ناباری بارودوخی نالّوزی کومه‌نگاکه‌ت، له‌بهر بیویلی و نه‌زانی گهل و هۆزه بیناگاکه‌ت، کومه‌نگاکه‌ت به‌جیه‌شیت و روت کرده نه‌شکه‌وتی حیرا، له‌و ته‌نیایی و به‌ییزله و نارامیه‌دا، راده‌مایت و بیرت له‌وه ده‌کرده‌وه، ناخو نه‌م بوونه‌وره پان و به‌رینه، نا نه‌م جیهانه نال و وال و ره‌نگینه، نه‌م ناسمانه به‌رفراوان و به‌رز و شینه، تریفه‌ی نه‌م هه‌تاو و مانگ و نه‌ستیرانه، نه‌م هه‌موو زینده‌ور و گیانه‌به‌رانه، چین و چۆن و بو‌دروست کراون؟!

ناخو ده‌ستی ره‌نگینی کئ نه‌م تابلویه نه‌خشانده‌وه؟! نه‌م هه‌لومه‌رجه فراوانه‌ی بو نه‌م مرقفه ره‌خسانده‌وه؟! ناخو نه‌م مرقفه هه‌روه‌ها ره‌ها کراوه‌؟! له‌م گۆره‌پانی ژیانه‌دا مؤله‌ت دراوه هه‌رچی که که‌یفی لیه‌تی نه‌نجامی بدا؟! چاوه‌کان پر له فرمیتسک و زام و برینه‌کان ناسور کا؟! تام و چیژ له خوین مژین و خوین رشتن و چه‌وسانه‌وه و هه‌نسک و ناخ و نؤف بیا؟!

ناخو روژی لئیرسینه‌وه‌یه‌ک نه‌بئ سه‌ره‌نجامی نه‌م هه‌رچی و په‌رچیه چی لئیدئ؟ خوژگا و بریا بمزانیبا، نه‌م بارودوچه پیس و پلۆخه تاکه‌ی و چه‌نده بر ده‌کا؟! که‌ی گیزه‌لۆکه‌ی ناه و نزوله و دووکه‌لی ده‌رونی سته‌م‌لئیکراوه‌کان، زله‌یز و چه‌وسینه‌ران و سته‌مکاره‌کان قرده‌کا؟! خوژگه و بریا بم زانیبا؟! ...

که‌ی حه‌ق و مافی بزنی کۆل، له بزنی شاخدار ده‌سنرئ؟ که‌ی ریشه و ره‌گه‌زی سته‌م له‌بنج و بیخ ده‌رده‌هینرئ؟ له‌زه‌ریای قوول و بن بنی نه‌م بیر و بگره و به‌رده‌دا رۆچوبویت و نقوم بوبویت.

له‌پر ده‌هه‌نده‌یی و دلّوفانی یه‌زدانی به‌به‌زه‌وی، سه‌رریژی کرد، ره‌هیلّه و ریژنه‌ی سروشی گه‌یه زه‌وی، به‌ ووشه‌ی (اقرا باسم ربك الذی) ته‌خت و تاجی زله‌یزانی زه‌وی، له‌رزی و دلّیان

تهزی، تیشکی په‌یامی پیروزی په‌روردگارت، شه‌وه‌زنگی نه‌نگوسته‌ چاوی نه‌زانی شله‌قاند، سه‌ره‌تای پیغه‌مبه‌رایه‌تی و به‌رپرسیه‌تی نه‌توی به‌ریزی راگه‌یاند، وه‌لامی هه‌موو نه‌و بریا و ناخو و خو‌زگایانه‌ت درایه‌وه، ده‌روازه‌ی خیر و بیر له‌ مرو‌ف کرایه‌وه، به‌هوی وه‌حی و سرووشی خوداوه، قورنانی پیرو‌زت خه‌لات کرا، بانگی یه‌کتاپه‌رستی و بیر و بروای راسته‌قینه‌ در، خیرا له‌ نه‌شکه‌وتی حیرا دابه‌زیت، به‌ره‌و کو‌مه‌لگا ژله‌ژاو و ویرانه‌کته‌ که‌وتیته‌ ری، قوناغ به‌قوناغ پین به‌ پین، له‌ترسی هیج که‌س نه‌له‌رزیت، له‌خه‌باتکردن نه‌به‌زیت، هه‌ستت به‌ لپی‌رسراوی کرد، سوژده و کړنوشت ته‌نیا بو په‌روه‌ردگار برد، بریار‌تدا نه‌م په‌یامه‌ راگه‌یه‌نیت، واز له‌ هه‌موو کالای نال و والی نه‌م دنیا‌یه‌ بنییت، به‌دروشمی "لاله‌ الا الله" ده‌نگت هه‌لبری، یه‌کتاپه‌رستی له‌و کو‌مه‌لگایه‌دا چری.

نه‌ی پیغه‌مبه‌ر! نه‌ی رایه‌ری ماندوونه‌ناس و پیشه‌وا، نه‌ی هه‌لگر و پاریزهر و راگه‌یه‌نهری په‌یام و خه‌لاتی خودا! (بایاها المزل) له‌شیرین خه‌ودا دای چله‌کاندی، به‌ندایه‌تی و شه‌و نویژکردنت کرد به‌ قه‌لغان و نه‌سروتی، له‌ترسی خودا هه‌رگیز پیر به‌ چاوه‌کانی خو‌ت نه‌خه‌وتی، (بایاها المدثر) و (قم فاندنر) رایه‌په‌راندی، تا‌کو نه‌و روژه‌ی که‌وا، بوی به‌ میوانی په‌روه‌ردگارت، خو‌شی و نیسرا‌حه‌ت و سه‌روه‌تی لئ ستاندی، شه‌وت له‌ گه‌ل روژ گری ددا و، روژیشته‌ ده‌دایه‌ دم شه‌و، نه‌م قورنانه‌ پیروژه‌ی خودات، به‌هه‌لسو که‌وت و کرده‌وه، به‌ده‌رس ووتنه‌وه و خویندنه‌وه، به‌ گو‌تار و راقه‌ و شه‌ر‌فه و تو‌یژینه‌وه، به‌ گه‌ل و هۆزه‌کته‌ گه‌یاند، به‌نا‌کار و کرده‌وه‌ی جوان، چین و تو‌یژیکی زور چا‌ک و پا‌ک و به‌رز و به‌ری‌زت تی‌گه‌یاند و پین گه‌یاند، کردنت به‌ سه‌رمه‌شق و نمونه‌ی لی‌هاتویی بو داهاتوو، گو‌یت به‌و هه‌موو نه‌زیه‌ت و نازاره‌ نه‌دا، بانگه‌وازه‌ ناوازه‌کته‌ دریزه‌ پیندا. ( واصبر علی ما یقولون. واهجر هم هجرا جمیلا )ت کرد به‌ری‌بازی پیرو‌ز و ری‌گای نه‌جات، هه‌تا‌کو دنیا دنیا‌یه‌، نه‌م رچه‌ و ری‌بازه‌ جوانه‌ت له‌ بره‌ودایه‌ و، شو‌ینکه‌وتوانی نه‌م قورنانه‌، سلوات و درودی خودات له‌سه‌ر ده‌دن، هه‌ر دو‌عای خیرت بو ده‌کن.

جا‌که‌ واته‌ نه‌ی پیغه‌مبه‌ر! درودی خوی گه‌وره‌ت له‌سه‌ر، خودا پاداشی باشی شایانی شان و شکو‌ت له‌بریتی نیمه‌ پیندا، وه‌سیله‌ و فه‌زیله‌ و مه‌قامی مه‌حمودت پینشکه‌ش بکا، لی‌زمه‌ی بارانی ره‌حه‌متی په‌روه‌ردگار، هه‌ر وه‌کو شه‌ست ره‌هیله‌ و وه‌شتی به‌هار، به‌سه‌ر نه‌توی خو‌شه‌ویست و یاره‌ وه‌فاداره‌کانتا برژینه‌ خوار.

## اذکار بعد از نماز

✓ اَسْتَغْفِرُ اللهَ اَسْتَغْفِرُ اللهَ اَسْتَغْفِرُ اللهَ

✓ «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»

معنی: «خدایا! سلام تویی و سلامتی از جانب توست، خجسته‌ای، ای شکوهمند گرامی».

✓ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ»

سبحان الله (۳۳ بار) ، الحمد لله (۳۳ بار) ، الله اکبر (۳۳ بار)

و صدمین بار بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

✓ آیه‌الکرسی را بخوان:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

✓ سپس سوره‌های قل هو الله أحد و قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس را بخوان.